



مدرسایان شریف

فصل اول

«حدود»

در قانون مجازات اسلامی ۹۲ به موجب ماده ۱۴ این قانون، مجازات‌ها به چهار قسم تقسیم شده‌اند:

الف) حد ب) قصاص پ) دیه ت) تعزیر

در ماده ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ این قانون تعریف حد، قصاص، دیه و تعزیر بیان شده است. به موجب ماده ۱۵ این قانون: «حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است». علاوه بر تقسیم‌بندی مندرج در ماده ۱۴ قانون جدید، تعزیرات این قانون به دو قسم تعزیرات منصوص شرعی و تعزیرات غیرمنصوص شرعی تقسیم می‌شود.

توضیح آنکه قبل از تصویب قانون جدید، علاوه بر تعزیرات، مجازات‌های بازدارنده نیز در اقسام مجازات‌ها تعریف شده بود و در بیان تمایز تعزیرات از مجازات‌های بازدارنده بیان می‌شد که مجازات‌های بازدارنده فاقد سابقه شرعی هستند مانند جرائم راهنمایی و رانندگی، حال آنکه تعزیرات دارای سابقه شرعی هستند. قانون مجازات اسلامی درصدد رفع این تمایز بود و به همین دلیل عنوان مجازات‌های بازدارنده را از تقسیم‌بندی‌های جرائم حذف کرد ولی در پی ایراد شورای نگهبان با اضافه کردن تبصره (۲) ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی ۹۲، تفکیک تعزیرات منصوص شرعی و تعزیرات غیرمنصوص شرعی را مجدداً ایجاد کرد و پاره‌ای از قوانین و مقررات مصرح در قانون جدید را از شمول تعزیرات منصوص شرعی خارج کرد. همچنین مجازات‌های تعزیری غیرمنصوص شرعی در ماده ۱۹ قانون جدید به هشت درجه تقسیم شده است.

در قانون مجازات اسلامی به حدی بودن ۱۲ جرم اشاره شده است. این جرائم عبارتند از: زنا، لواط، تفخیذ، مساحقه، قوادی، قذف، سب‌النبی، مصرف مسکر، سرقت، محاربه، بغی و افساد فی الارض. تعداد حدود مطرح در قانون سابق (۹) مورد بود که تفخیذ از عنوان لواط جدا شده است. افساد فی الارض از عنوان محاربه جدا شده است. سب‌النبی و بغی نیز اضافه شده است. نوآوری دیگر قانون جدید در بحث حدود در ماده ۲۲۰ قانون جدید متجلی است که بیان می‌دارد: «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است، طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود.» که به عنوان مصادیق این ماده می‌توان به جادوگری، سحر و ارتداد اشاره کرد که در این موارد وفق اصل ۱۶۷ قانون اساسی طبق نظر فتاوی مشهور فقها عمل می‌شود.

در این فصل حدود مطرح در قانون مجازات اسلامی را توضیح داده و تبیین می‌کنیم و مباحث این فصل را در (۷) بخش ارائه می‌دهیم. بخش اول کلیات حدود، بخش دوم حد زنا، بخش سوم حد لواط، مساحقه و تفخیذ، بخش چهارم قوادی، بخش پنجم قذف، بخش ششم سب‌النبی، بخش هفتم مصرف مسکر، و سه حد سرقت، بغی و افساد فی الارض را به مناسبت در بخش جرائم علیه اموال و مالکیت و جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی توضیح خواهیم داد.

درسنامه (۱): کلیات عمومی حدود



مفهوم حدود

همان‌طور که اشاره شد به موجب ماده ۱۵ قانون جدید: «حد مجازاتی که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است.» اجرای حد از نظر اسلام دارای اهمیت اساسی است به نحوی که اجرای حد الهی در روایات از بارش باران سودمندتر توصیف شده است. به علت همین اهتمام شارع در اجرای حدود است که حدود از نظر قواعد و احکام از سایر مجازات‌ها متمایز است. برای مثال در عبارت فقها و در میان روایات عباراتی از این دست که «لا تبدل فی الحد»، «لا کفالة فی الحدود»، «لا شفاعة فی الحدود» و غیره به چشم می‌خورد.

همین امر سبب احکام خاص حدود شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- قاعده منع محاکمه مضاعف که در صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مرتکب و صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجنی علیه (مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) پذیرفته شده است، در حدود اعمال نمی‌شود.

۲- قاعده محاسبه مجازات قبلی که در صلاحیت واقعی پذیرفته شده (ماده ۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) در حدود اعمال نمی‌شود.



- ۳- حدود عطف به ماسبق می‌شوند. (ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۴- محاسبه مدت ایام بازداشت متهم که در مجازات‌های تعزیری اعم از (جزای نقدی، شلاق تعزیری و حبس تعزیری) اعمال می‌شود در حدود (اعم از شلاق حدی و حبس حدی) اعمال نمی‌شود. (ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۵- تخفیف در حدود امکان ندارد. (ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) مگر در شرایط خاص با حصول توبه و عفو توسط رهبری.
- ۶- معافیت از مجازات در حدود اعمال نمی‌شود مگر از طریق عفو و توبه مطابق م ۲۱۹ ق.م.ا.
- ۷- تعویق صدور حکم در حدود اعمال نمی‌شود. (ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۸- تعلیق اجرای مجازات در حدود امکان ندارد. (ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۹- نظام نیمه آزادی در حدود نداریم. (ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۰- آزادی مشروط در حدود نداریم. (ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۱- نظارت سامانه الکترونیکی در حدود نداریم. (ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۲- مرور زمان در حدود جایگاهی ندارد. (ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۳- مقررات توبه در حدود متفاوت با تعزیر است. (ماده ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۴- مقررات تعدد و تکرار در حدود متفاوت با تعزیر است. (ماده ۱۳۶ و ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۵- ادله اثبات در حدود، احکام خاص خود را دارد.
- ۱۶- مجازات شروع به جرم و معاونت در حدود، پیش‌بینی شده است. (ماده ۱۲۲ و ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۷- سردستگی در حدود احکام خاص خودش را دارد. (ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۸- جهل به حکم در حدود پذیرفته شده است. (ماده ۱۵۵ و همچنین مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ ق.م.ا قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)
- ۱۹- مجازات تبعی و تکمیلی در حدود داریم.

کلمه مثال ۱: کدام نهاد در حدود امکان ندارد؟

- ۱) معافیت از کیفر ۲) مجازات تبعی ۳) تکرار جرم ۴) معاونت

پاسخ: گزینه «۱» به استناد ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی.

تعدد و تکرار در حدود

تعدد در حدود

مقررات خاصی که در بحث تعدد مادی در ماده ۱۳۴ قانون آمده است بنا بر تصریح این ماده مختص تعزیرات است و حدود در بحث تعدد احکام خاص خود را دارند. تعریف کلی تعدد مادی جرم در قانون جدید آن است که فردی مرتکب جرم شده و قبل از صدور حکم قطعی مجدداً مرتکب جرم دیگری شود.

بنابراین ملاک تشخیص تعدد از تکرار در قانون مجازات اسلامی صدور حکم قطعی است.

حدود اگر با قصاص یا با حدود دیگر یا با تعزیرات جمع شوند و مشمول عنوان تعدد باشند به این نحو راجع به آن‌ها اتخاذ تصمیم می‌شود.

اول: اگر جرم حدی با یک جرم تعزیری جمع شود: در این حالت می‌توان دو فرض را تصور نمود:

فرض اول: جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مثل سرقت حدی و سرقت غیر حدی یا مانند زنا و رابطه نامشروع کمتر از زنا که در این فرض مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌شود مگر در مورد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام نسبت به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود. (تبصره ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی)

فرض دوم: جرم حدی از جنس جرم تعزیری نباشد: که در این صورت هر دو مجازات با هم جمع می‌شود و ابتدا حد اجرا می‌شود مگر آنکه حد، سالب حیات باشد و از طرف دیگر تعزیر هم حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد که در این فرض خاص در صورتی که تعزیر موجب تأخیر اجرای حد نشود ابتدا تعزیر اجرا می‌شود. (ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)

پس:

	همه حدود	← فقط حد اجرا می‌شود.		}	تعدد حد و تعزیر:
	حد قذف	← در یک فرض خاص که قذف نسبت به یک نفر و دشنام نسبت به دیگری باشد هر دو مجازات اجرا می‌شود.			
	فرض عادی	← ابتدا حد سپس تعزیر اجرا می‌شود.			
	فرض خاص	← ابتدا تعزیر سپس حد اجرا می‌شود.			
				}	
					جرم حدی از جنس جرم تعزیری است.
					جرم حدی از جنس جرم تعزیری نیست.

شرایط فرض خاص: ۳ شرطی که در ذیل ماده ۱۳۵ ق.م.ا وجود دارد.

دوم: اگر جرم حدی با جرم دیگر جمع و مرتکب تعدد جرم حدی باشد؛ برای مثال کسی شرب خمر کرده باشد و سپس زنا نماید. یا تفخیز نموده و لواط هم کند، این حالت خود دارای دو فرض است:

فرض اول آنکه دو جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند؛ در این صورت فقط مجازات اشد اجرا می‌شود. مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجرا می‌شود. این حکم در تبصره (۲) ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی ۹۲ آمده است. برای تحقق این فرض لازم است که اولاً هر دو جرم حدی باشد، ثانیاً هر دو جرم در یک واقعه باشد و ثالثاً هر دو جرم در راستای هم باشند. به نظر می‌رسد فرض دیگر اینکه ممکن است سرقت حدی و محاربی در راستای یکدیگر واقع شوند.

فرض دوم آن است که دو حد در راستای هم و در یک واقعه نباشند که در این فرض هر دو حد اجرا می‌شود. مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد، که در این صورت فقط یک حد اجرا می‌شود مانند: شرب خمر بیش از یک مرتبه. سؤال آن است که اگر یکی از حدود سالب حیات و حد دیگر حبس ابد بود، اجرای این دو حد چگونه است؟ در این فرض قانون بیان داشته است که حد سالب حیات اجرا می‌شود و نوبت به اجرای حبس ابد نمی‌رسد. (ماده ۱۳۲ و تبصره (۱) آن)

سوم: جمع قصاص و حد در فرض تعدد که در این حالت هم قصاص و هم حد اجرا می‌شود ولی اگر اجرای مجازات حدی زمینه اجرای قصاص را از بین ببرد، یا اجرای مجازات حدی موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد. مثلاً فردی هم به قصاص دست و هم به قطع دست به خاطر سرقت حدی محکوم شده باشد، چون قصاص حق الناس و مقدم است، و نیز به این دلیل که مجازات حدی مذکور موضوع قصاص را از بین می‌برد، ابتدا قصاص اجرا می‌شود. (ماده ۱۳۳ قانون مجازات اسلامی)

تکرار در حدود

مقررات تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی در مواد ۱۳۶ تا ۱۳۹ آمده است. در ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ آمده است:

«هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر وی جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.»

بنابراین مقررات تکرار جرم حدی فقط در یک فرض در ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ بیان شده است و اگر فردی مرتکب سرقت شده و حد بر او جاری شود و مجدداً مرتکب جرم دیگری غیر از سرقت مانند شرب خمر شود، در این ماده بیان نشده است؛ همچنین اگر فردی مرتکب جرم تعزیری شده و حکم قطعی هم برای او صادر شده و سپس مرتکب حد شود هم در این ماده بیان نشده است. با وجود حکم کلی این است که مجازات هر کدام از حدود به صورت جداگانه اجرا شود. آنچه مسلم است مورد اخیر مشمول مقررات تکرار جرم ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی نمی‌شود، زیرا این ماده مختص به جرائم تعزیری درجه یک تا شش می‌باشد.

کلمه مثال ۲: فردی محکومیت قطعی به تعزیر درجه (۱) تا (۶) پیدا می‌کند و قبل از اعاده حیثیت مرتکب شرب خمر می‌شود. در این فرض:

(۱) به حداکثر مجازات محکوم می‌شود.

(۲) به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود.

(۳) به حداکثر مجازات به علاوه تشدید بسته به نظر قاضی محکوم می‌شود.

(۴) فقط به مجازات شرب خمر محکوم می‌شود.

پاسخ: گزینه «۴» به استناد ماده ۱۳۶ و ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی.

کلمه مثال ۳: فردی مرتکب یک بار زنا و دوبار قوادی شده است و پس از هر بار ارتکاب جرم، حد اجرا شده است. در مرتبه چهارم، مرتکب زنا دیگری می‌شود. مجازات وی چیست؟

(دکتری ۹۵)

(۱) یک حد زنا

(۲) جمع حد زنا و قوادی و باید مجازات اشد اجرا شود.

(۳) حد اعدام به علت ارتکاب جرم حدی در بار چهارم

(۴) جمع حد زنا و اعدام و تنها اعدام اجرا می‌شود.

پاسخ: گزینه «۱» ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ مقرر داشته: «هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار

حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.»

اعدام مرتکب زنا در فرض سؤال در صورتی ممکن می‌باشد که جرائم مستوجب حد از یک نوع باشد که در فرض سؤال منتفی است. مرتکب به علت ارتکاب جرم زنا صرفاً به حد زنا محکوم می‌گردد.

ادله اثبات در حدود

به موجب ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی ادله اثبات جرم عبارتند از: اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در مواد مقرر قانونی و علم قاضی. ولی در حدود ادله اثبات دعوا دارای احکام خاص خود هستند که آن‌ها را متمایز از ادله اثبات سایر جرائم می‌کند. این احکام خاص به طور خلاصه عبارتند از:

(الف) موضوعیت داشتن اقرار و شهادت (ب) نصاب اقرار و شهادت (ج) عدم اعتبار برخی ادله در حدود

عدم امکان تشخیص مسؤل اصلی

برای تحقق شرکت لازم است که قتل به هر دو عامل نسبت داده شود ولی اگر دو عامل داشته باشیم ولی قتل به یکی از این عوامل نسبت داده شود قتل به مشارکت نیست، در این موارد که علم اجمالی به ارتکاب جنایت هست، در قانون مجازات اسلامی ۹۲ ماده ۴۸۲ بیان می‌کند: «در موارد علم اجمالی به انتساب جنایت به یکی از دو یا چند نفر و عدم امکان تعیین مرتکب، چنانچه جنایت، عمدی باشد قصاص ساقط و حکم به پرداخت دیه می‌شود».

در این بحث توجه به دو ماده ۴۷۷ و ۴۷۸ در بحث لوث و قسامه نیز حائز اهمیت است. ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی ۹۲ بیان می‌دارد که: «در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت، توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین، در صورت وجود لوث بر برخی از اطراف علم اجمالی، طبق مواد قسامه در این باب عمل می‌شود و در صورت عدم وجود لوث، صاحب حق می‌تواند از متهمان مطالبه سوگند کند که اگر همگی سوگند یاد کنند در خصوص قتل، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، به نسبت مساوی از متهمان دریافت می‌شود».

تبصره: «هرگاه منشأ علم اجمالی، اقرار متهمان باشد، حسب مورد اولیای دم یا مجنی علیه مخیرند برای دریافت دیه به هر یک از متهمان مراجعه کنند و در این امر تفاوتی بین جنایت عمدی و غیرعمدی و قتل و غیرقتل نیست». و ماده ۴۷۸ بیان می‌دارد که: «هرگاه همه یا برخی از اطراف علم اجمالی، از اتیان سوگند یا اقامه قسامه امتناع کنند دیه به طور مساوی برعهده امتناع‌کنندگان ثابت می‌شود و در صورتی که امتناع‌کننده یکی باشد به تنهایی عهده‌دار پرداخت دیه خواهد بود. در حکم فوق تفاوتی میان قتل و غیر آن نیست».

تداخل قصاص عضو و نفس

ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی ۹۲ بیان می‌دارد: «اگر کسی، عمداً جنایتی بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می‌شود، در غیر این صورت، قتل شبهه عمدی است و مرتکب علاوه بر قصاص عضو به پرداخت دیه نفس نیز محکوم می‌شود». در فرض قتل شبهه عمد تعدد مادی (قصاص عضو - تعزیر و پرداخت دیه) می‌باشد. چرا که اگر قتل وقوع یافته شبهه عمدی باشد، قصاص ندارد. منظور مقنن آن است که فعل عمدی غیرمهلک باشد ولی نتیجه شبهه عمدی باشد که در این فرض قصاص عضو به واسطه فعل عمدی و تعزیر و دیه قتل به واسطه قتل شبهه عمدی می‌شود. ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی ۹۲ بیان می‌دارد: «اگر مرتکب با یک ضربه عمدی، موجب جنایتی بر عضو شود که منجر به قتل مجنی علیه شود، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می‌شود و به علت نقص عضو یا جراحی که سبب قتل شده است به قصاص یا دیه محکوم نمی‌شود». این ماده مربوط به تعدد معنوی جرم به صورت فعل واحد و نتایج متعدد است و در اینجا حکم تعدد، اعمال کیفر اشد است و مفهوم مخالف این ماده این است که اگر نقص عضو و قتل با چند ضربه باشد ولی دم می‌تواند هم قصاص عضو و هم قصاص نفس را با هم اجرا کند.

کج مثال ۱۰۶: چهار زن و چهار مرد در کشتن یک مرد مشارکت می‌کنند. اگر صد شتر را برابر با چهل میلیون تومان بدانیم تفاضل دیه پرداختی به هر شریک برای قصاص چقدر است؟

(۲) هر مرد ۳۵ میلیون و هر زن ۲۵ میلیون

(۱) هر کدام ۳۵ میلیون

(۴) هر کدام ۱۵ میلیون

(۳) هر مرد ۳۵ میلیون و هر زن ۱۵ میلیون

پاسخ: گزینه «۳» دیه پرداختی به هر مرد:

$$\left(\frac{1}{4} \right) \times (40 \text{ میلیون}) - (40 \text{ میلیون})$$

\uparrow سهم هر قاتل
 \downarrow دیه مرد مقتول
 \downarrow دیه هر مرد قاتل

تفاضل دیه پرداختی به هر مرد ۳۵ میلیون = ۵ میلیون - ۴۰ میلیون

$$\left(\frac{1}{4} \right) \times (40 \text{ میلیون}) - (20 \text{ میلیون})$$

\uparrow سهم هر قاتل
 \downarrow دیه مرد مقتول
 \downarrow دیه هر زن قاتل

تفاضل دیه پرداختی به هر مرد ۱۵ میلیون = ۵ میلیون - ۲۰ میلیون

کج مثال ۱۰۷: سه نفر محکوم به شرکت در قتل عمدی یک نفر می‌باشند ولی دم می‌تواند:

(۲) دو نفر را قصاص کند و از یک نفر دیه کامل را بگیرد.

(۱) یک نفر را قصاص کند و از دو نفر دیه کامل بگیرد

(۴) هیچ‌کدام

(۳) دو سوم دیه هر کدام را بدهد و هر سه نفر را قصاص کند.

پاسخ: گزینه «۱ و ۳» در قانون مجازات اسلامی پرداخت دیه به تناسب تقصیر پیش‌بینی نشده است بلکه همواره باید پرداخت دیه بین شرکا به تساوی باشد خواه میزان تقصیر آن‌ها برابر باشد خواه متفاوت. البته چون این امر کمی ناعادلانه به نظر می‌رسد در برخی موارد از آن عدول شده و فقط در فروع پیش‌بینی شده در قانون مثل ماده ۵۲۶ و ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی ۹۲ به آن عمل می‌شود.



کله مثال ۱۰۸: در فرضی که فردی یک عمل را به صورت خطایی، یک عمل را عمدی و عمل دیگری را به صورت شبه عمد بر روی فرد دیگری انجام می‌دهد و مجموع این افعال منجر به مرگ او می‌شود.....

(۱) قاتل قابل قصاص است.

(۲) قاتل قابل قصاص نیست ولی باید عاقله $\frac{1}{3}$ دیه مقتول را به قاتل بدهد.

(۳) قاتل قابل قصاص است ولی باید عاقله $\frac{1}{3}$ دیه قاتل را به اولیای دم بدهد.

(۴) قاتل قابل قصاص است ولی باید عاقله $\frac{1}{3}$ دیه قاتل را به قاتل بدهد و اولیای دم مقتول $\frac{1}{3}$ دیه را به قاتل بدهند.

پاسخ: گزینه «۱» وقتی جنایتی در اثر افعال متعدد یک فرد با عنصر روانی مختلف رخ می‌دهد مسئولیت قاتل با سه فعل مختلف تقسیم می‌شود به سه بخش که یک بخش آن عمد است، یک بخش آن شبه عمد و بخش دیگر خطای محض.

کله مثال ۱۰۹: اگر دو وسیله نقلیه با هم برخورد کنند و در درون وسیله (الف) ۵ نفر و در وسیله (ب) ۴ نفر سرنشین هست، مسئولیت چگونه است؟

(۱) هر راننده دیه سرنشینان خود را می‌دهد.

(۲) هر کدام از راننده‌ها دیه سرنشینان خودروی خودش را می‌دهد.

(۳) عاقله راننده خطایی نصف دیه سرنشینان خودروی دیگر و راننده دیگر نصف دیه سرنشینان دیگری را می‌دهد.

(۴) هر راننده نصف دیه سرنشینان خود و نصف دیه سرنشینان خودروی مقابل را می‌دهد.

پاسخ: گزینه «۴» ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی ۹۲.

کله مثال ۱۱۰: «الف»، «ب»، «ج» و «د»، به ترتیب، چهارضربه غیرمتوالی و با فاصله زمانی بر شخصی وارد می‌کنند و او در اثر مجموع چهار جنایت پدید آمده، می‌میرد، کدام مورد، صحیح است؟

(دکتری ۹۷)

(۱) هر چهار نفر، تنها به قصاص نفس محکوم می‌شوند.

(۲) هر چهار نفر، به قصاص عضو و قصاص نفس محکوم می‌شوند.

(۳) سه نفر اول، تنها به قصاص عضو و نفر چهارم، به قصاص نفس محکوم می‌شود.

(۴) سه نفر اول، به قصاص عضو و قصاص نفس و نفر چهارم، فقط به قصاص نفس محکوم می‌شود.

پاسخ: گزینه «۴» حکم ماده ۲۹۹ بیان شده برای دلیل انتخاب گزینه (۱) به عنوان پاسخ صحیح، برای مواقعی است که ضربات به صورت متوالی وارد شده باشد که در این صورت قانون آن را در حکم یک ضربه بیان کرده است. حال آنکه در صورت سؤال چهار ضربه غیرمتوالی بیان شده است. به علاوه اینکه در ذیل ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است در صورتی که ضربات به صورت غیرمتوالی باشد، متهم یا متهمین علاوه بر قصاص نفس به قصاص عضو جنایاتی که متصل نبوده است نیز محکوم خواهد شد.

در فرض سؤال، ضربه ۳ نفر اول متصل به مرگ نیست و تنها ضربه فرد چهارم متصل به مرگ است و از آنجا که همان‌طور که صورت سؤال بیان نموده است که مرگ در اثر مجموع ضربات هر ۴ نفر رخ داده است پس سه نفر اول به قصاص عضو و قصاص نفس و نفر چهارم تنها به قصاص نفس محکوم خواهد شد. حکم ماده ۲۹۹ برای موردی است که یک فرد این ضربات را وارد نموده است ولی می‌توان حکم این ماده را به تعدد متهمین هم تسری داد.

کله مثال ۱۱۱: «الف» در حین رانندگی، پوست میوه‌ای را به سمت پیاده‌رو پرتاب می‌کند و «ب»، عابر بدون آگاهی از وجود پوست میوه، بر روی آن پا گذاشته و بر روی «ج» می‌افتد و «ج» دچار جراحت و شکستگی می‌شود. نوع جنایت کدام است و منتسب به کیست؟

(دکتری ۹۸)

(۱) نسبت به «الف»، خطای محض و نسبت به «ب»، شبه‌عمد

(۲) شرکت در جنایت خطای محض - «الف» و «ب»

(۳) خطای محض - «ب»

(۴) شبه‌عمدی - «الف»

پاسخ: گزینه «۴» اگرچه مرتکب جنایت خطای محض شده اما چون مرتکب تقصیر شده است بنابراین جنایت وی شبه‌عمدی محسوب می‌شود.

کله مثال ۱۱۲: «الف»، «ب» و «ج»، قصد قتل «د» را دارند. «الف» سم را تهیه، «ب» با آن غذا درست می‌کند و «ج»، «د» را دعوت به خوردن غذا می‌کند و «د» پس از خوردن غذای مسموم، کشته می‌شود. نقش «الف»، «ب» و «ج» در قتل عمد کدام است؟

(دکتری ۹۸)

(۱) هر سه، شریک در قتل عمد

(۲) «ب» و «ج»، شرکت در قتل عمد و «الف»، معاونت در قتل عمد

(۳) «ج»، مباشرت در قتل عمد و «الف» و «ب»، معاونت در قتل عمد

(۴) «ج»، سبب اقوی در قتل عمد و «الف» و «ب»، معاونت در قتل عمد

پاسخ: گزینه «۱» با عنایت به این هر سه نفر قصد ارتکاب جنایت را دارند بنابراین هر سه نفر مرتکب شرکت در قتل عمدی «د» شده‌اند.

کلمه مثال ۱۱۳: «الف» برای کشتن «ب» سراغ وی را می‌گیرد که به وی گفته می‌شود سرایدار یک کارخانه است که از ساعت نه شب تا پنج صبح در آنجا نگهبانی می‌کند. «الف» در آن زمان، درب سرایداری را باز و به سوی سرایدار تیراندازی می‌کند و متواری می‌شود. سپس معلوم می‌شود که شخص مقتول، «ج» دوست «ب» بوده که آن شب به جای وی حضور داشته است. نوع قتل «ج» کدام است؟ (سراسری ۹۸)

- (۱) عمد
(۲) شبه عمد
(۳) خطای محض
(۴) شروع قتل عمد نسبت به «ب» و قتل شبه عمد نسبت به «ج»

پاسخ: گزینه «۱» «الف» قصد ایراد جنایت یعنی قصد فعل و قصد نتیجه را داشته است بنابراین جنایت واقع شده عمدی است و اشتباه در هویت نیز تأثیری در تغییر ماهیت جنایت نخواهد داشت.

کلمه مثال ۱۱۴: «الف» دیگری را عمداً از ارتفاعی به پایین پرتاب می‌کند که نوعاً موجب مرگ می‌شود. لکن به طور اتفاقی، تیر شلیک شده از سوی «ب» کمانه کرده و به فردی که در حال سقوط است، اصابت می‌کند و موجب مرگ او در هوا می‌شود. کدام یک قاتل شناخته می‌شوند؟ (سراسری ۹۸)

- (۱) هر دو قاتل هستند و «الف» به قصاص و عاقله «ب» به پرداخت نصف دیه به «الف» محکوم می‌شود.
(۲) «الف» قاتل است و «ب» به پرداخت دیه جنایت بر مرده محکوم می‌شود.
(۳) «ب» قاتل است و «الف» به پرداخت دیه جنایت بر مرده محکوم می‌شود.
(۴) «ب» قاتل است و ضمانی متوجه شخص «الف» نیست.

پاسخ: گزینه «۴» «ب» رابطه استناد را قطع کرده و علت مرگ اصابت تیر است. بنابراین جنایت به «ب» منتسب است و ضمانی متوجه «الف» نیست.

معاونت در قتل

تمام موارد معاونت در جرائم بخش تعزیرات از جمله تبصره ماده ۶۱۲ به موجب ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی نسخ ضمنی شده است. الف) معاونت در قتل عمدی غیرموجب قصاص: در این زمینه ماده ۶۱۲ تعزیرات ۷۵ بیان می‌دارد: «هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران شود دادگاه مرتکب را به حبس از سه سال تا ده سال محکوم می‌کند».

تبصره: «در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود».

با وجود تبصره ۲ ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی ۹۲ تبصره این ماده (۶۱۲) نسخ ضمنی شده است، تبصره ۲ ماده ۱۲۷ بیان می‌دارد که: «در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجرا نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند (ت) این ماده اعمال می‌شود».

(بند ت ماده ۱۲۷: در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی) همان‌گونه که مشاهده می‌شود در قانون مجازات اسلامی ۹۲ نیز از اصل استعاره نسبی معاون از مباشر پذیرفته شده است که بر اساس این نظریه مجازات معاون از مباشر تبعیت می‌کند.

ب) معاونت در معاونت: معاونت در قتل هم متصور است ولی چون برای تحقق معاونت در قتل ارتباط و هم‌فکری مستقیم بین مباشر و معاون شرط نیست معاونت در معاونت همان مجازات معاونت در قتل را دارد.

ج) معاونت در شروع به قتل: بند ۱ ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۹۲ برای شروع به قتل مجازات بیش از ۵ تا ۱۰ سال حبس در نظر گرفته است و بند (ت) ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی برای معاونت در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی را در نظر گرفته است، فلذا مجازات معاون در شروع به قتل بر اساس این بند مشخص می‌شود.

همچنین مطابق با ماده ۱۵ قانون کاهش حبس تعزیری تمامی مجازات‌های معاونت در جرم که به صورت خاص تعیین شده‌اند تبصره ماده ۱۱۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی نسخ صریح شده است.

نکته ۶: در اکراه در قتل اگر اکراه‌کننده به هر علت به حبس ابد محکوم نشود، به مجازات معاونت در قتل محکوم می‌شود.

کلمه مثال ۱۱۵: مجازات معاون در معاونت در قتل چقدر است؟

- (۱) حداقل مجازات معاونت در قتل
(۲) تعزیر بما یراه الحاکم
(۳) مجازات معاون در قتل بر اساس ماده ۱۲۷
(۴) مجازات نمی‌شود.

پاسخ: گزینه «۳» همان‌طور که اشاره شد در تحقق معاونت لازم نیست که معاون با مباشر به طور مستقیم و بی‌واسطه هم‌فکری داشته باشد برای مثال اگر (الف) طنابی را به (ب) برای قتل کسی بدهد و (ب) طناب را به فردی بدهد تا او دیگری را (همان کسی که مدنظر (الف) بوده است) بکشد، هم (الف) و هم (ب) هر دو معاون هستند هرچند عمل (الف) معاونت در معاونت بوده است.



درسنامه (۲): خیانت در امانت



مقدمه

در نظام کیفری فعلی ایران براساس ماده ۶۷۴ کتاب پنجم - قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵ اموال غیرمنقول نیز می‌توانند موضوع جرم خیانت در امانت باشند، علاوه بر آن، موضوع جرم خیانت در امانت می‌تواند اسناد و نوشته‌ها و امثال آن باشد. در ماده ۶۷۴ نوشته‌هایی از قبیل چک، سفته و کلیه اسنادی که متضمن تعهد یا ابراء ذمه باشد بیان شده است.

علی‌رغم ذکر چهار عقد امانی (اجاره، ودیعه، عاریه و وکالت) در صدر ماده ۶۷۴ نباید معتقد بر این بود که اگر یکی از این ۴ عقد وجود نداشته باشند یا باطل باشند جرم خیانت در امانت محقق نمی‌شود، بلکه با توجه به عبارت «یا هر کار با اجرت یا بی‌اجرت» در این ماده اصلاً لزومی به وجود یکی از عقود امانت‌آور برای تحقق این جرم نمی‌باشد.

در مورد اجاره اموال غیرمنقول با توجه به وجود قوانین و مقررات متعدد حاکم بر روابط اجاری بین موجر و مستأجر به صرف عدم تخلیه عین مستأجره پس از اتمام مدت اجاره توسط مستأجر نمی‌توان حکم به تحقق خیانت در امانت داد، زیرا اغلب عدم تخلیه عین مستأجره پس از اتمام مدت اجاره همراه با سوءنیت مستأجر نیست و حتی ممکن است دادگاه با توجه به عسر و حرج مستأجر به او مهلتی برای تخلیه بدهد. با توجه به ماده ۱۱ قانون کاهش حبس تعزیری خیانت در امانت به عنوان جرم قابل گذشت شناخته شده است.

جرم خیانت در امانت در قانون مجازات اسلامی تعریف نشده است، ولی بر اساس مصادیق حصری این جرم که در ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات مصوب ۷۵ آمده است، می‌توان این جرم را این چنین تعریف نمود: «استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود کردن عمدی مالی که از سوی مالک یا متصرف قانونی به دیگری سپرده شده است و قرار بر استرداد یا به مصرف معین رساندن آن مال بوده است.»

ارکان تشکیل‌دهنده جرم خیانت در امانت

رکن قانونی

عنصر قانونی جرم خیانت در امانت ماده ۶۷۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵ است بدین شرح: «هر گاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی‌اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیای مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیا نزد او بوده آن‌ها را به ضرر مالکین یا متصرفین آن‌ها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.» به استناد رأی شعبه سوم دیوان عالی کشور به شماره ۲۵۷۸ مورخ ۱۳۱۸/۱۰/۲۵ کسی که نسبت به ملکی امین باشد نسبت به عواید و منافع آن هم امین است و در صورتی که حیف و میل کرده باشد عمل او خیانت در امانت است؛ بنابراین تصرف در عوض و منافع مال امانی نیز خیانت در امانت است.

رکن مادی

الف) رفتار مادی فیزیکی

رفتار فیزیکی که برای تحقق خیانت در امانت لازم است اصولاً با فعل انجام می‌شود اما برخی از رفتارها و مصادقات خیانت در امانت ممکن است با ترک فعل رخ دهد. رفتار فیزیکی لازم برای ارتکاب خیانت در امانت یکی از چهار فعل محصور در ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات مصوب ۷۵ یعنی تصاحب، استعمال، تلف یا مفقود کردن است.

۱- تلف نمودن: تلف نمودن یعنی از بین بردن مال کلاً یا جزئاً و یا وصفاً؛ بنابراین اگر امین تمام یک کتاب را نابود کند یا فقط چند صفحه از آن را بکند و یا تذهیب کاری اطراف صفحه‌های آن را نابود سازد همگی خیانت در امانت از طریق تلف نمودن هستند. به طور استثنایی تلف کردن مال مورد امانت با ترک فعل نیز قابل ارتکاب است مثل آن که فردی به دیگری چند صندوق میوه بسپارد که تا زمان معینی آن‌ها را بفروشد ولی علی‌رغم وجود مشتری فرد امین عمداً و با قصد سوء اضرار به صاحب میوه‌ها از فروش میوه‌ها خودداری کند (ترک فعل)، خیانت در امانت تحقق می‌یابد.

۲- استعمال: استعمال یعنی به کارگرفتن مال مورد امانت در غیر مورد معین شده. استعمال با بقای عین نیز ممکن بوده و هیچ ملازمه‌ای بین استعمال و از بین رفتن عین مال نیست.

۳- مفقود کردن: مفقود کردن یعنی دور کردن مال از دسترس مالک آن به نحوی که مالک به سادگی نتواند آن را بدست آورد. مفقود کردن باید عمداً انجام شود و گم شدن مال مورد امانت اگر عمدی نباشد سبب تحقق جرم خیانت در امانت نمی‌شود. مثلاً هرگاه مال امانی از جیب سوراخ امین بر اثر اهمال و سهل‌انگاری بیافتد و گم شود. در این صورت مفقود کردن نیست و خیانت در امانت رخ نداده است.



۴- تصاحب: منظور از تصاحب مال مورد امانت همان «تصرف مال به عنوان مالکیت» یا «از آن خود انگاشتن» است، یعنی امین با مال مورد امانت آن‌گونه برخورد نماید که اغلب مالک با مالش آن‌چنان برخورد می‌کند. پس برای تحقق این رکن، امین باید با مال مورد امانت برخورد و تصرفات مالکانه نماید. تصاحب مال مورد امانت با افعال مختلفی قابل ارتکاب است، مثلاً با فروش یا رهن گذاشتن یا اجاره دادن مال، زیرا فقط مالک یا فرد مأذون از قبل مالک است که می‌تواند چنین تصرفاتی در مالی بنماید.

تصاحب نیز به طور استثنایی همانند تلف کردن می‌تواند با ترک فعل انجام شود، مثل آنکه بنابراین بوده است که امین مال مورد امانت را به مصرف فقرا برساند ولی از این کار خودداری نماید یا باید در زمان معینی مال را به مالک یا متصرف قانونی آن مسترد گرداند ولی چنین نمی‌کند. این دو مورد گرچه ترک فعل‌اند ولی اگر همراه با سوءنیت خاص قصد اضرار به مالک باشد، رکن مادی خیانت در امانت محسوب می‌شوند.

ب) اوضاع و احوال و شرایط لازم برای تحقق جرم خیانت در امانت

۱- موضوع جرم: موضوع جرم خیانت در امانت مال است اعم از منقول و غیر منقول، همچنین موضوع این جرم می‌تواند وسیله بدست آوردن مال نیز باشد زیرا در ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات مصوب ۷۵، عبارت «با نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن» آمده است، بنابراین قسمت، اولاً وسیله‌ای تحصیل مال نیز موضوع جرم خیانت در امانت است و ثانیاً وسایل تحصیل مال که در این قسمت آمده است **حصری نیست**، پس حتی نوشته‌ی ساده‌ای که بر روی آن نوشته شده باشد به فرد آورنده فلان مقدار پول داده می‌شود نیز، می‌تواند موضوع این جرم باشد.

۲- سپردن با شرط استرداد یا به مصرف معین رساندن مال: بنابراین برای تحقق جرم خیانت در امانت عنصر سپردن لازم است. سپردن نیز فقط توسط مالک یا متصرف قانونی انجام می‌شود و محترم است و توسط حقوق کیفری حمایت می‌گردد، پس اگر سارقی یا غاصبی مال مسروقه یا مغصوبه را به دیگری بسپارد و فرد دریافت‌کننده مال آن را به مقامات دولتی یا مالک بدهد خیانت در امانت مرتکب نشده است، چون با سپردن مال مسروقه یا مغصوبه توسط سارق یا غاصب رابطه امانت‌آور الزام‌آوری ایجاد نمی‌شود.

برخلاف فرض سؤال، اگر مالک مال سپرده شده فوت کند امین همچنان بر صفت امانت خود باقی است و اگر دخل و تصرفی در مال بکند مرتکب جرم خیانت در امانت شده است و مسئول استرداد مال به ورثه متوفی است.

در مواردی که فردی به حکم قانون بر مال، امین است (امانت قانونی)، بدلیل عدم تحقق عنصر سپردن، جرم خیانت در امانت محقق نمی‌شود. بدلیل عدم تحقق عنصر سپردن توسط مالک یا متصرف قانونی در مالی که متعلق به مولی‌علیه یا موصی له نزد ولی یا وصی یا قیم است، جرم خیانت در امانت در این‌گونه موارد محمل قانونی ندارد و در این موارد ارتکاب نمی‌یابد.

امین در عین حال در صورتی که قرار بر فروش مال بوده است با فروش مال نسبت به وجه حاصل از فروش نیز امین محسوب می‌شود و تصرف در این وجه سبب تحقق جرم خیانت در امانت می‌شود.

جرم خیانت در امانت در مورد منافع و عوائد ناشی از مال سپرده شده نیز قابل ارتکاب است. پس اگر امین در نگهداری باغ در حفاظت از میوه‌های باغ با سوءنیت کوتاهی کند تا میوه‌ها فاسد شوند و از بین بروند چون نسبت به عواید و منافع مال مورد امانت نیز امین می‌شود، مرتکب این جرم می‌شود.

۳- تعلق مال به غیر: برای تحقق جرم خیانت در امانت لازم است مال سپرده شده به امین، تماماً مال غیر باشد (یعنی این که تماماً مال امانت دهنده باشد) و یا وسیله‌ی تحصیل مال سپرده شده به او متعلق به غیر باشد.

پس اگر مرتبه‌ی عین مرهونه را برای مدتی به رهن بسپارد تا در آن سکونت داشته باشد ولی رهن پس از مطالبه‌ی مرتبه از استرداد آن خودداری نماید عمل رهن خیانت در امانت نخواهد بود، چون مال سپرده شده به او، ملک خود اوست نه مال غیر. جرم خیانت در امانت نیز همانند سایر جرائم علیه اموال و مالکیت، در مورد اموال مشاع توسط احد شرکای مال مشاع انجام نمی‌شود. البته به موجب رأی وحدت رویه‌ی هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره‌ی ۱۰ مورخ ۱۳۵۵/۷/۲۱ جرم تخریب (موضوع ماده ۲۶۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و ماده ۶۸۴ قانون تعزیرات مصوب ۷۵) توسط احد شرکای مال مشاع بر مال مشاع نیز قابل ارتکاب است، البته این رأی به سایر جرائم علیه اموال و مالکیت بر اساس تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم قابل تسری نیست و بنابراین احد شرکای مال مشاع نمی‌توانند مرتکب سایر جرائم علیه اموال و مالکیت مثل خیانت در امانت و کلاهبرداری، نسبت به مال مورد مشاع گردند.

ج) نتیجه‌ی جرم خیانت در امانت

جرم خیانت در امانت یک جرم مقید به نتیجه مجرمانه خاص است. نتیجه‌ای که باید از رکن مادی خیانت در امانت محقق شود فقط همان ورود ضرر به مالک یا متصرف قانونی مال سپرده شده است. اما برای تحقق این جرم ضرورتی نیست تا به شخص خائن در امانت نیز متقابلاً سود و منفعتی برسد، بنابراین نتیجه جرم خیانت در امانت فقط ورود ضرر به مالک یا متصرف قانونی است بدون آنکه ضرورتاً هیچ منفعتی به خائن در امانت برسد و با کلاهبرداری که می‌بایست سودی به کلاهبردار یا فردی که مد نظر دارد برسد متفاوت است.

نکته ۱۳: صرف ورود ضرر به «مالک مال» موجب تحقق جرم خیانت در امانت است هرچند که ضرری به سپارنده‌ی قانونی مال وارد نشده باشد.

برای مثال کارگر دوره‌گرد یک شرکت شیرفروش (متصرف قانونی)، پول شیرها را از مردم گرفته و در مقابل به آن‌ها شیر می‌دهد ولی از تسلیم پول به شرکت (مالک مال) خودداری ورزیده و خود آن را تصاحب می‌کند.

رکن روانی جرم خیانت در امانت

رکن روانی جرم خیانت در امانت متشکل از دو قسمت است: یکی سوء نیت عام که همان استعمال عمدی یا تلف عمدی یا مفقود کردن یا تصاحب عمدی مال سپرده شده غیر است، یعنی عمد در ارتکاب یکی از اعمال فیزیکی محصور در ماده‌ی ۶۷۴ قانون تعزیرات مصوب ۷۵ (شرط فعل). پس سهل انگاری و مسامحه در انجام هر یک از اعمال چهارگانه مذکور برای تحقق جرم خیانت در امانت کافی نیست. قسمت دوم رکن روانی این جرم سوء نیت خاص است یعنی قصد ورود ضرر به مالک مال سپرده شده (شرط نتیجه).

نکته ۱۴: حکم تقاص تنها در مواردی پذیرفته و مرتکب عمل مجرمانه را، به دلیل فقدان سوء نیت خاص مبری از مسئولیت کیفری می‌سازد که رابطه‌ای بین حق مورد مطالبه مرتکب و اموال سپرده شده به او موجود باشد.

در پایان بحث از ارکان تشکیل‌دهنده جرم خیانت در امانت اشاره به شروع به جرم خیانت در امانت ضروری است.

نکته ۱۵: با توجه به ماده ۱۲۲ «قانون مجازات اسلامی» به طور عام کلیه جرائم که شامل بندهای ۱ تا ۳ ماده ۱۲۲ شوند می‌توان برایشان شروع به جرم متصور شد. مجازات جرم خیانت در امانت بر اساس ماده ۱۹ ق.م.ا. مصوب ۹۲، معادل حبس تعزیری درجه پنج محسوب می‌شود پس مجازات شروع به جرم خیانت در امانت طبق بند پ ماده ۱۲۲ حبس یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش خواهد بود.

مثال ۷۶: فرد اصطبل داری اسب گران قیمت دیگری را برای نگهداری به امانت گرفته است در حالی که چندین سال است آرزوی داشتن چنین اسبی را داشته است. با توجه به عادت همیشگی اسبانش که بدون قفل کردن درب اصطبل از آن جا نمی‌گریزند، درب اصطبل را قفل نمی‌کند و اسب مورد امانت از اصطبل می‌گریزد و مفقود می‌شود، اصطبل دار چه جرمی مرتکب شده است؟

- (۱) خیانت در امانت (۲) هیچ جرمی مرتکب نشده است (۳) سرقت (۴) تخریب

پاسخ: گزینه «۲» چون برای تحقق جرم خیانت در امانت از طریق مفقود کردن امین باید عمداً سبب فقدان مال مورد امانت شود و سهل انگاری و مسامحه به هیچ وجه نمی‌توانند رکن روانی خیانت در امانت را شکل دهند.

مثال ۷۷: فردی مالی را به دیگری سپرده است تا از آن برای مدتی حفاظت نماید، ولی فرد امین مال را فضولتاً می‌فروشد، وضعیت خائن در امانت از لحاظ تعدد جرائم در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) تعدد معنوی بین دو جرم خیانت در امانت و فروش مال غیر
(۲) این فرد فقط مرتکب فروش مال غیر شده است.
(۳) این فرد فقط جرم خیانت در امانت را مرتکب شده است.

(۴) وضعیت این فرد تعدد مادی جرائم مختلف است بین خیانت در امانت و جرم فروش مال غیر و مرتکب به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود.

پاسخ: گزینه «۱» با استناد به ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود.»

نکته آخر در این قسمت ماهیت آنی جرم خیانت در امانت است. پس این جرم به محض آنکه امین مال مورد امانت را تلف یا مفقود کند یا مورد استعمال قرار دهد یا تصاحب نماید شکل می‌گیرد و نیازی به تکرار رکن مادی این جرم نیست. پس این جرم آنی است و نه مستمر.

مثال ۷۸: فردی فرزند تازه متولد شده‌ی خود را برای مدتی به دیگری می‌سپارد تا روز بعد از او پس بگیرد ولی پس از رجوع برای گرفتن طفل خود فرد مقابل از استرداد او خودداری می‌کند. عنوان مجرمانه‌ی عمل مرتکب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) آدم ربایی (۲) هیچ جرمی مرتکب نشده است
(۳) خیانت در امانت (۴) جرم موضوع ماده ۶۳۲ قانون تعزیرات مصوب ۷۵

پاسخ: گزینه «۴» این عمل نمی‌تواند خیانت در امانت باشد زیرا در تحقق خیانت در امانت مال بودن یا وسیله تحصیل مال بودن موضوع جرم شرط است، همچنین عمل آدم ربایی نیست چون طفل به دیگری سپرده شده است، این عمل به صورت مجزا در ماده ۶۳۲ قانون تعزیرات ۷۵ جرم انگاری شده است.

ماده‌ی ۶۳۲ بیان می‌دارد: «اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند امتناع کند، به مجازات از سه ماه تا شش ماه حبس یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد.»



کلمه مثال ۷۹: فردی مال خود را به دیگری می‌سپارد ولی امین با سوء نیت اضرار به صاحب مال، مال سپرده شده را نابود می‌کند. عمل وی از باب تعدد چه حکمی دارد؟

- (۱) تعدد مادی جرائم مختلف تخریب و خیانت در امانت
(۲) تعدد معنوی تخریب و خیانت در امانت
(۳) فقط مرتکب جرم خیانت در امانت شده است.
(۴) فقط مرتکب جرم تخریب مال غیر شده است.

پاسخ: گزینه «۲» با استناد به ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود.»

کلمه مثال ۸۰: مستاجری برای اجاره آپارتمان به مؤجر به عنوان تضمین تخلیه، چکی می‌دهد و در پایان تخلیه‌ی عین مستأجره توسط مستأجر، موجر با قصد سوءاستفاده از چک به ضرر مستأجر و وصول مبلغ مندرج در آن چک را به مستأجر مسترد نمی‌دارد. عمل این فرد چه عنوان مجرمانه‌ای دارد؟
(۱) جرم سوءاستفاده از سفید مهر و سفید امضاء (ماده ۶۷۳ تعزیرات مصوب ۷۵) (۲) جرم خیانت در امانت (موضوع ماده‌ی ۶۷۴ قانون تعزیرات مصوب ۷۵)
(۳) این فرد جرمی مرتکب نشده است.
(۴) کلاهبرداری

پاسخ: گزینه «۲» زیرا موضوع جرم خیانت در امانت می‌تواند مال یا وسیله تحصیل مال باشد. عمل سوءاستفاده از سفید مهر یا سفید امضا نیست چون شرط اصلی این جرم مفقود است، شرط این جرم سفید امضاء بودن چک یا هر سند دیگر است. این جرم کلاهبرداری نیست زیرا در کلاهبرداری با توسل به وسایل متقلبانه مال دیگری برده می‌شود.

کلمه مثال ۸۱: شخصی یک تخته قالی مستعمل را نزد سمسار گذاشته تا پس از فروش وجه آن را دریافت کند. سمسار از پرداخت وجه حاصل از فروش به صاحب قالی خودداری می‌کند. عمل سمسار مشمول کدام جرم است؟
(۱) کلاهبرداری (۲) خیانت در امانت (۳) فروش مال غیر (۴) تقلب در کسب و تجارت
 پاسخ: گزینه «۲» با توجه به ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی این گزینه صحیح خواهد بود.

کلمه مثال ۸۲: اگر شریکی سهم خود را از مال مشاع نزد شریکش به امانت گذارد و شریک مذکور بدون اجازه آن را تصاحب کند، عمل شریک چه عنوانی دارد؟
(۱) غصب (۲) خیانت در امانت (۳) تصرف عدوانی (۴) تحصیل مال نامشروع
 پاسخ: گزینه «۲» در مورد این که این عمل جرم خیانت در امانت می‌باشد یا خیر اختلاف نظر وجود دارد ولی با توجه به این که در گزینه‌های سوال موردی که این عمل را جرم نداند نیامده است در نتیجه مشکلی در پاسخ به سوال وجود ندارد و این عمل تحت عنوان جرم خیانت در امانت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلمه مثال ۸۳: (الف) به وکالت از (ب) اتومبیل وی را نگهداری می‌کند. متعاقباً معلوم می‌شود که شخص (ب) در زمان تنظیم وکالت‌نامه محجور بوده است. (الف) نیز از استرداد اتومبیل خودداری می‌نماید. حکم چنین رفتاری از سوی (الف) چیست؟
(۱) در هر حالت خیانت در امانت است.
(۲) جرم مستقلی تحت عنوان تصرف غیر قانونی در مال غیر است.
(۳) در صورت وجود سوء نیت در تصاحب اتومبیل، خیانت در امانت است.
(۴) در هیچ صورتی خیانت در امانت نیست زیرا عقد مبنای امانت غیر نافذ یا باطل بوده است.

پاسخ: گزینه «۴» عقد مبنای امانت به دلیل محجور بودن یکی از طرفین باطل بوده است و در چنین صورتی مال نزد «الف» که یکی از طرفین عقد است به صورت امانت قانونی قرار دارد و باید آن را به ولی محجور تحویل دهد. در موارد امانت قانونی که عملاً عنصر «سپردن به شرط استرداد یا مصرف معین» وجود ندارد، مقررات راجع به خیانت در امانت حاکم نیست. با توجه به این که «الف» در تصرف مال سوءنیت نداشته است و به مجنون بودن «ب» آگاه نبوده است، جرم تصرف غیر قانونی در مال غیر را نیز مرتکب نشده است.

کلمه مثال ۸۴: اگر کسی سند خانه‌اش را به دیگری داده و به او وکالت دهد که آن را اجاره دهد ولی وکیل، خانه را بفروشد:
(۱) عمل او خیانت در امانت است.
(۲) عمل او انتقال مال غیر است.
(۳) عمل او کلاهبرداری نسبت به خریدار است.
(۴) عمل او فاقد وصف مجرمانه و فقط موجب مسئولیت مدنی است.
 پاسخ: گزینه «۱» با توجه به ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ چرا که مال را در مورد معین مورد استفاده و مصرف قرار نداده است.



کلمه مثال ۸۵: کدام مورد می تواند خیانت در امانت محسوب شود؟

(سراسری ۹۲)

- (۱) تصرف در مال گم شده
(۲) فروش مال سپرده شده
(۳) تصاحب مالی که از سوی سارق سپرده شده است.
(۴) تصاحب جهیزیه زن از سوی شوهر

پاسخ: گزینه «۲» فروش مال سپرده شده، یکی از مصادیق تصاحب است که از اقسام رفتار مادی فیزیکی در جرم خیانت در امانت در ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به شمار می رود. گزینه (۴) صحیح نمی باشد چرا که یکی از شروط جرم خیانت در امانت سپردن مال به امین می باشد که در مورد تصاحب جهیزیه زوج، نمی توان زوج را امانت دار جهیزیه و تبعاً خائن در امانت تلقی کرد.

کلمه مثال ۸۶: تعمیرکاری با مانور متقلبانه وانمود می کند که اتومبیل مورد تعمیر در یک سرقت مسلحانه ربوده شده است و از استرداد اتومبیل خودداری می کند، عنوان مجرمانه عمل ارتكابی تعمیرکار چیست؟

(سراسری ۹۲)

- (۱) کلاهبرداری
(۲) خیانت در امانت
(۳) خیانت در امانت و کلاهبرداری با لحاظ مقررات تعدد معنوی
(۴) خیانت در امانت و کلاهبرداری با لحاظ مقررات تعدد مادی

پاسخ: گزینه «۲» تعمیرکار در فرض سؤال، امین محسوب شده و خودداری وی از استرداد اتومبیل از مصادیق تصاحب که یکی از رفتارهای فیزیکی خیانت در امانت می باشد، به شمار می رود. این رفتار مجرمانه کلاهبرداری نیست زیرا مال قبل از توسل به وسایل متقلبانه به مرتکب سپرده شده است.

کلمه مثال ۸۷: خیانت در امانت، با کدام افعال زیر تحقق می یابد؟

(وکالت ۹۴)

- (۱) سوءاستفاده یا تصاحب یا تلف یا مفقود کردن اشیاء
(۲) سوءاستفاده یا تصرف یا تلف یا مفقود کردن اشیاء
(۳) استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود کردن اشیاء
(۴) استعمال یا تصرف یا تلف یا مفقود کردن اشیاء

پاسخ: گزینه «۳» با توجه به ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵: «هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

کلمه مثال ۸۸: «الف» خودروی خود را با سند عادی به «ب» می فروشد. فروشنده سه روز بعد، خودرو را از خریدار برای رفتن به مسافرت عاریه گرفته و دیگر آن را باز نمی گرداند. «الف» مرتکب کدام جرم شده است؟

(سراسری ۹۴)

- (۱) خیانت در امانت
(۲) اگر سند رسمی به نام «الف» باشد، وی مرتکب جرمی نشده است.
(۳) سرقت
(۴) کلاهبرداری

پاسخ: گزینه «۱» به استناد ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

ماده ۶۷۴: هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. در فرض سؤال مال عملاً منتقل شده و بنابراین سپرده شدن آن از سوی خریدار که مالک اصلی مال است به فروشنده تحت هر قراردادی یا بدون قرارداد، خیانت در امانت تلقی می گردد.

کلمه مثال ۸۹: اگر مدیر تصفیه، اموال تاجر ورشکسته را مخفیانه برای خود برداشت کند، به کدام مجازات محکوم می شود؟

(دکتری ۹۵)

- (۱) تصرف غیرقانونی
(۲) ورشکستگی به تقلب
(۳) معاونت در ورشکستگی به تقلب
(۴) خیانت در امانت

پاسخ: گزینه «۴» خیانت در امانت عبارت است از استعمال، تصاحب تلف یا مفقود نمودن توأم با سوءنیت مالی که از طرف مالک یا متصرف قانونی به کسی سپرده شده و بنابر استرداد یا به مصرف معین رسانیدن آن بوده. ماده ۵۵۵ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مقرر می دارد: «اگر مدیر تصفیه درحین تصدی به امور تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل کرده باشد به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد.» بنابراین گزینه (۴) صحیح می باشد.



مدرسایان شریف

فصل پنجم «جرایم متفرقه»

علاوه بر جرائمی که در چهار فصل قبل به آن اشاره گردید، جرائم زیادی در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین کیفری وجود دارد که احاطه بر همه آنها زمان و فرصت زیادی را می‌طلبد که نمی‌توان آن را از دانشجویان حقوق متوقع بود. قوانینی مثل قانون مجازات نانوایان و قصابان متخلف، مقررات جزایی آیین‌نامه‌هایی چون آیین‌نامه مرده شوی خانه و گورستان یا آیین‌نامه گوشت فروشی قوانینی هستند که نام آنها هم برای بسیاری از اساتید و وکلا و قضات با تجربه نا آشنا است، ولیکن برخی از این جرائم در آزمون‌های برگزار شده مورد توجه طراحان سؤال قرار می‌گیرد که از جمله آنها کلیه جرائم مندرج در قانون مجازات اسلامی است که ما در این تحریر تقریباً به همه آنها اشاره کرده و خواهیم کرد، جرائم مندرج در قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۸۸/۳/۲۰، قانون صدور چک، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، قانون مبارزه با مواد مخدر و قانون تعزیرات حکومتی. در این فصل به بررسی سایر جرائمی که در قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته و در چهار فصل قبلی به آن پرداخته نشد می‌پردازیم.

جرایم علیه عدالت قضایی

جرایم در سه دسته علیه اشخاص، علیه اموال و مالکیت و علیه امنیت و آسایش عمومی به طور سنتی قرار می‌گیرد، ولیکن با دقت در قوانین پراکنده قانون مجازات اسلامی پی می‌بریم که فلسفه وجودی بسیاری از جرائم حمایت از روند اجرای عدالت در محاکم است. در حقوق برخی از کشورها جرائم علیه عدالت قضایی را در سه دسته جای داده‌اند که عبارتند از جرائم مخل روند عدالت، جرائم مخل اجرای احکام قضایی و احقاق حق خصوصی بدون توسل به مرجع قضایی جرائم علیه عدالت قضایی اعمالی است که به نوعی مانع از تأمین عدالت قضایی متکی بر اصول و مبانی صحیح و قانونی می‌باشد.

درسنامه (۱): فرار محبوسین قانونی و اختفای مقصرین



گاه برای اجرای قانون چه در امور کیفری و چه در امور حقوقی لازم است که برخی از افراد چه به عنوان متهم، چه به عنوان مجرم و چه به عنوان محکوم در امور حقوقی روانه زندان یا بازداشتگاه شوند و انجام این امر مستلزم دستگیری و سپس حفظ دستگیر شده و زندانی است. در فصل هفتم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان فرار محبوسین قانونی و اختفای مقصرین فعالی که ممکن است توسط خود زندانی یا توقیف شده، فردی که موظف به دستگیری بوده و مأمور ملازم و مراقب یا توسط هرکس دیگری که ممکن است ارتکاب یابد را جرم‌انگاری نموده است.

- کج مثال ۱:** اگر زندانی برای فرار از زندان، در زندان را شکسته و بیرون از زندان دستگیر شود، اتهام (اتهامات) او چه اوصافی دارد؟ (وکالت ۹۴)
- ۱) تخریب عمدی و شروع به جرم فرار از زندان
 - ۲) عنوان خاص تخریب عمدی و فرار از زندان
 - ۳) فرار از زندان
 - ۴) شروع به فرار از زندان

پاسخ: گزینه «۲» با توجه به ماده ۵۴۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

«هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا (۷۴) ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. تبصره - زندانیانی که مطابق آیین‌نامه زندان‌ها به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی ننمایند فراری محسوب و به مجازات فوق محکوم می‌گردند.»

- کج مثال ۲:** «الف»، «ب» را که محکوم به قصاص نفس است، فراری می‌دهد. مجازات او چگونه تعیین می‌شود؟ (قضاوت ۹۷)
- ۱) به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.
 - ۲) تا زمان تحویل محکوم، در زندان باقی می‌ماند.
 - ۳) به قصاص محکوم می‌شود.
 - ۴) علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال، به پرداخت دیه محکوم می‌شود.

پاسخ: گزینه «۲» قانونگذار در ماده ۴۳۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات فراری‌دهنده را بازداشت وی تا زمان تحویل یا دستگیری متهم اصلی می‌داند.



درسنامه (۲): تسامح و اهمال مأمور دستگیری و تسامح و اهمال مأمور به قصد مساعدت



ماده ۵۵۰ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) بیان می‌دارد: «هریک از مستخدمین و مأمورین دولتی که طبق قانون مأمور دستگیری کسی بوده و در اجرای وظیفه دستگیری مسامحه و اهمال کرده باشد به پرداخت یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و چنانچه مسامحه و اهمال به قصد مساعدت بوده که منجر به فرار وی شده باشد، علاوه بر مجازات مذکور به حبس از ۶ ماه تا سه سال محکوم می‌شود.»

همان طور که متن ماده بیان می‌دارد مرتکب این جرم کسی است که طبق قانون مأمور دستگیری کسی بوده است البته لازم نیست این مأمور برای اجرای این مأموریت دارای حکم مأموریت باشد، بلکه همین که مطابق قانون وظیفه دستگیری داشته باشد کافی است مثل مأمورین انتظامی در جرائم مشهود. این ماده بیانگر دو جرم است: اول، مسامحه و اهمالی که به قصد مساعدت نبوده باشد که این عمل جرم است چه کسی که باید دستگیر می‌شده فرار کرده باشد و چه فرار نکرده باشد.

فلذا این بخش ماده مبین جرمی مطلق است و در بخش دوم مسامحه و اهمالی جرم انگاری شده که اولاً به قصد مساعدت باشد و در ثانی منجر به فرار شده باشد فلذا این بخش اخیر ماده مبین جرمی است مقید که در آن سوءنیت خاص هم لازم است. در این جرم احراز رابطه علیت هم لازم است یعنی لازم است که عدم دستگیری به دلیل اهمال مأمور باشد.

مثال ۳: مسامحه و اهمال مأمور دستگیری در چه صورت با مجازات بیشتری روبه‌رو است؟

- ۱) در صورتی که به قصد مساعدت بوده و منجر به فرار شده باشد.
- ۲) در صورتی که به قصد مساعدت بوده یا منجر به فرار شده باشد.
- ۳) در صورتی که به قصد مساعدت باشد.
- ۴) در صورتی که منجر به فرار شده باشد.

پاسخ: گزینه «۱» رجوع کنید به انتهای ماده ۵۵۰ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی)

مثال ۴: کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- ۱) مسامحه در دستگیری متهم توسط ضابطان دادگستری جرمی انتظامی است.
- ۲) مسامحه در دستگیری متهم در صورتی که به قصد مساعدت بوده چه متهم فرار کند و چه فرار نکند، مجازات حبس تا سه سال دارد.
- ۳) جرم مسامحه در دستگیری متهم به قصد مساعدت وی جرمی مقید است.
- ۴) مأمورین وظیفه عمومی مشمول بزه مسامحه و اهمال نخواهند شد.

پاسخ: گزینه «۳» مستند به ماده ۵۵۰ قانون تعزیرات، مسامحه و اهمال مأمورین بر دو گونه است. یکی همراه با قصد مساعدت که باید منجر به فرار وی نیز گردد، پس جرمی مقید است. دیگری بدون سونیت خاصی است و در جایی که مأمور قصد مساعدت ندارد ولی با کوتاهی و اهمال زمینه فرار وی را ایجاد می‌کند.

مثال ۵: در قانون مجازات به دلیل مسامحه و اهمال ماموری که موظف به حفظ یا ملازمت با مراقبت متهم بوده و متهم فرار کرده مأمور مجرم شناخته شده است. در متن قانونی کلمه ملازمت در کدام یک از مفاهیم زیر به کار رفته است؟

- ۱) همراه و نزد کسی بودن
- ۲) پی‌گیری
- ۳) مواظبت
- ۴) در خدمت کسی بودن

پاسخ: گزینه «۱» ملازمت در ماده ۵۴۸ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) به معنای پیوسته نزد کسی بودن به کار رفته است.

درسنامه (۳): فرار از محبس



ماده ۵۴۷ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) بیان می‌دارد: «هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا (۷۴) ضربه یا سه تا ۶ ماه حبس محکوم می‌شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

تبصره: «زندانیانی که مطابق آیین‌نامه زندان‌ها به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی ننمایند فراری محسوب و به مجازات فوق محکوم می‌گردند.»



فرار زندانی وقتی محقق می‌گردد که او موفق به خارج شدن از زندان یا بازداشتگاه شود. توجه داشته باشید که صرفاً فرار از زندان و بازداشتگاه جرم انگاری گردیده است. زندان برای نگهداری محکومین و بازداشتگاه برای نگهداری متهمین است. فلذا لازم است که متهمین و محکومین به دستور مقام قضایی در زندان یا بازداشتگاه باشند. بنابراین مساعدت در فرار فرد توقیف شده به طور کلی جرم انگاری گردیده که اشاره خواهد شد توقیف شده اعم است از کسی که به دستور مقام قضایی بازداشت شده یا توسط نیروی انتظامی توقیف شده است. همچنین فرار از محیط‌های خارج از زندان مثل اتومبیل حمل بازداشتی به دادگاه جرم نیست.

کلمه مثال ۶: اگر متهم به قصاص از زندان فرار کند ولی قصاص او اجرا نشود و نوبت به تعزیر او به دلیل عدم امکان اجرای قصاص برسد...

(۱) این تعزیر با فرار او تعدد مادی مختلف است.

(۲) عمل فرار او مصداق تکرار جرم است.

(۳) عمل فرار او نه تعدد است و نه تکرار

(۴) عمل فرار او مصداق تعددمادی مشابه است.

پاسخ: گزینه «۱» چون او هنوز متهم است و محکوم نشده و قبل از محکومیت مرتکب جرم دیگری شده است عمل او مصداق تعدد است و نه تکرار و چون این دو جرم متفاوت هستند عمل او مشمول تعدد مادی مختلف است.

کلمه مثال ۷: آقای شهرام که زندانی است در حالی که با اتومبیل حمل زندانی به بازداشتگاه می‌رود فرار می‌کند عمل او...

(۱) فرار از زندان است.

(۲) فرار از بازداشتگاه است.

(۳) جرم نیست.

(۴) تمرد از مأموریت دولت است.

پاسخ: گزینه «۳» در ماده ۵۴۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ فقط فرار از زندان یا بازداشتگاه جرم انگاری شده است و فرار از سایر اماکن جرم نیست. نکته حائز اهمیت در این ماده قسمت آخر ماده است که بیان می‌دارد: «اگر برای فرار از زندان درب زندان را شکسته یا آن را خراب نموده باشد علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

این قسمت ماده ۵۴۷ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) از سه جهت مبهم است:

اول منظور از هر دو مجازات، هر دو مجازات مندرج در ماده ۵۴۷ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) یعنی شلاق و حبس است یا مجازات ماده ۵۴۷ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) و تخریب که نظر ارجح آن است که مراد از هر دو مجازات مندرج در ماده ۵۴۷ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) است.

دوم: اگر درب بازداشتگاه تخریب شود علی‌رغم این که متن ماده فقط به درب زندان اشاره کرده است تفسیر منطقی ایجاب می‌کند که عمل مرتکب باز هم مشمول این تشدید باشد.

سوم: اگر سیستم الکترونیکی و امنیتی یا پنجره تخریب شود، به دلیل تفسیر به نفع متهم باید بر این زعم بود که عمل او مشمول این تشدید نیست. نکته چهارم این است که عمل تخریب و شکستن درب زندان باید برای (به قصد) فرار باشد نه چیز دیگر. پنجم: باید فرار از زندان و شکستن درب را مجموعاً یک جرم دانست نه تعدد مادی در واقع فرار از زندان توأم با تخریب را یک جرم واحد دانسته است.

درسنامه (۱۴): «اهمال، تسامح، مساعدت و تبانی مأموران در فرار»



در فرار زندانی ممکن است خود زندانی به تنهایی اقدام کند یا این کار را با کمک خواسته یا ناخواسته دیگری که ممکن است مأمور ملازم یا مراقب دیگری باشد انجام بدهد. در ماده ۵۴۸ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) مساعدت ناخواسته مأمور نگهداری یا ملازمت که منجر به فرار شده جرم انگاری شده است: «هرگاه مأموری که موظف به حفظ یا ملازمت یا مراقبت متهم یا فرد زندانی بود در انجام وظیفه مسامحه یا اهمالی نماید که منجر به فرار وی شود به شش ماه تا سه سال حبس یا جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.» همان طور که اشاره شد شخص فراری در این ماده اعم است از توقیف شده، تحت نظر و محکوم به حبس است و به خلاف ماده ۵۴۷ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) اگر محبوس از هر محلی حتی اتومبیل حمل محبوسین فرار کند مأمور اهمال‌کننده مرتکب این جرم شده است. تسامح و اهمال به معنای قصور از انجام وظیفه است و اعم است از بی احتیاطی، بی مبالائی و عدم رعایت نظامات دولتی. نکته آخر این که جرم موضوع ماده ۵۴۸ (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) جرمی مقید است.

این جرم می‌تواند توسط مأمور حفظ و مراقبت و یا افراد عادی انجام شود. در ماده ۵۴۹ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) این جرم را برای مأمور حفظ و در ماده ۵۵۱ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) این جرم را برای سایر افراد جرم انگاری کرده است. ماده ۵۴۹ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) بیان می‌دارد: «هرکس مأمور حفظ یا مراقبت یا ملازمت زندانی یا توقیف شده‌ای باشد و مساعدت در فرار نماید یا راه فرار او را تسهیل کند یا برای فرار وی تبانی و مواضعه نماید به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد.

الف) اگر توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است و یا زندانی به یکی از این مجازات‌ها محکوم شده باشد به سه تا ده سال حبس و اگر محکومیت محکوم علیه حبس از ده سال به بالا باشد و یا توقیف شده متهم به جرمی باشد که حبس از ده سال به بالاست به یک تا ۵ سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا اتهام توقیف شده غیر از موارد فوق الذکر باشد، به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

ب) اگر زندانی محکوم به قصاص یا توقیف شده متهم به قتل مستوجب قصاص باشد، عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تا تحویل وی در زندان باقی می‌ماند و چنانچه متهم غیباً محاکمه و برائت حاصل کند و یا قتل شبه عمد یا خطایی تشخیص داده شود عامل فرار به مجازات تعیین شده در ذیل بند الف) محکوم خواهد شد و اگر فراری فوت کند و یا تحویل وی ممنوع شود چنانچه محکوم به قصاص باشد فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیاء دم محکوم خواهد شد.

ج) اگر متهم یا محکومی که فرار کرده محکوم به امر مالی یا دیه باشد عامل فرار علاوه بر مجازات تعیین شده در ذیل بند الف) ضامن پرداخت دیه و مال محکوم به نیز خواهد بود».

ماده ۵۵۱ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) بیان می‌دارد: «اگر عامل فرار از مأمورین مذکور در ماده (۵۴۹) قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نباشد و عامداً موجبات فرار اشخاصی که قانوناً زندانی یا دستگیر شده‌اند را فراهم آورد به طریق زیر مجازات خواهد شد:

الف) چنانچه زندانی محکوم به اعدام یا حبس دایم یا رجم یا صلب بوده مجازات او یک تا سه سال حبس و اگر زندانی متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است مجازات از شش ماه تا دو سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا مجازات قانونی توقیف شده غیر از موارد فوق‌الذکر باشد مجازات او سه ماه تا یک سال حبس خواهد بود. ب) اگر زندانی محکوم به قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تا تحویل وی در زندان باقی می‌ماند. چنانچه فراری فوت کند و یا تحویل وی ممنوع شود فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیاء دم مقتول محکوم خواهد شد.»

مساعدت به معنای کمک کردن و یاری رساندن است که معمولاً از طریق تهیه وسایل فرار یا ارائه طریق صورت می‌گیرد. مساعدت در فرار و تسهیل فرار از جمله صور معاونت موضوع ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که نظر به اهمیت و خطر این گونه رفتارها قانون‌گذار آن را مستقیماً جرم دانسته و به عنوان جرم خاص جرم انگاری نموده است. نکته حائز اهمیت دیگر آن است که این دو جرم، جرم مقید به فرار قربانی است و نکته آخر آنکه هرگاه ملازم یا محافظ یا هر شخص دیگری برای مساعدت در فرار به زندانی یا توقیف شده اسلحه بدهد، عمل او مشمول ماده ۵۵۲ (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) است. ماده ۵۵۲ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) بیان می‌دارد: «هرکس به شخص زندانی یا توقیف شده برای مساعدت به فرار اسلحه بدهد، به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.» به موجب این ماده صرف دادن اسلحه برای فرار جرم است خواه متهم موفق به فرار بشود خواه نشود و خواه فراری از اسلحه استفاده بکند خواه استفاده نکند. فلذا جرم ماده ۵۵۲ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) جرمی مطلق است. ولی شرط است که اسلحه قبل از فرار و به منظور فرار کردن به فراری داده شده باشد نه آن که بعد از فرار کردن باشد. کلمه اسلحه در این ماده اطلاق دارد و شامل اسلحه گرم و سرد می‌شود.

مثال ۸: جرم مأموری که موظف به مراقبت از متهمی بوده و در اثر مسامحه او متهم فرار کرده:

- ۱) مطلق است. ۲) مرکب است. ۳) عقیم است. ۴) مقید است.

پاسخ: گزینه «۴»

مثال ۹: تبانی با زندانی برای فرار وی....

- ۱) به هیچ‌وجه جرم نیست مگر آنکه زندانی محکوم به یک جرم علیه امنیت شده باشد ۲) اگر تبانی‌کننده با زندانی مأمور حفظ و مراقبت از او باشد جرم است. ۳) اگر منجر به فرار شود جرم است. ۴) گزینه (۲) و (۳) هر دو صحیح می‌باشد

پاسخ: گزینه «۴» تبانی با زندانی برای فرار در ماده ۵۴۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ جرم‌انگاری شده حال آنکه در ماده ۵۵۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نیامده است، ولی در ماده ۵۴۹ تعزیرات ۱۳۷۵ هم این عمل جرم است به شرط آن که منجر به فرار محبوس یا توقیف شده‌ای باشد که مأمور ملازم با او تبانی کرده است.



درسنامه (۵): اختفاء زندانی فراری و یا فرد تحت تعقیب یا فراهم نمودن وسایل فرار



ماده ۵۵۳ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) بیان می‌دارد: «هرکس شخصی را که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانوناً امر به دستگیری او شده است مخفی کند یا وسایل فرار وی را فراهم کند به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:

چنانچه کسی که فرار کرده محکوم به اعدام یا رجم یا صلب یا قصاص نفس و اطراف و قطع ید بوده مجازات مخفی کننده یا کمک کننده او در فرار، حبس از یک تا سه سال است و اگر محکوم به حبس دائم یا متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا صلب است محکوم به شش ماه تا دو سال حبس خواهد شد و در سایر حالات مجازات مرتکب یک ماه تا یک سال حبس خواهد بود».

تبصره: «در صورتی که احراز شود فرد فراری دهنده و یا مخفی کننده یقین به بی‌گناهی فرد متهم یا زندانی داشته و در دادگاه نیز ثابت شود از مجازات معاف خواهد شد.»

موضوع این جرم کسی است که هم اکنون در بند و زندان نمی‌باشد و آزاد است ولی آزاد بودن او به دلیل فراری بودن اوست یا آن که امر به دستگیری شده ولی هنوز دستگیر نشده است.

رکن مادی این جرم مخفی کردن و فراهم کردن وسایل فرار است و مرتکب این جرم هم می‌تواند مأمور مراقب و هم فرد عادی باشد فلذا در یک مورد با ماده ۵۵۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ هم پوشانی پیدا می‌کند و آن در جایی است که مأمور مراقب و ملازم به قصد مساعدت در دستگیری فردی که امر به دستگیری او شده است مسامحه و اهمال می‌کند که در این فرض ماده ۵۵۰ قانون تعزیرات اعمال می‌شود. ولی اگر فرد فراری دهنده کسی را که فراری داده است را مخفی هم بکند عمل او تعدد مادی دارد.

برای جرم موضوع این ماده یک عذر معاف کننده و یک کیفیت مخففه در نظر گرفته شده است. عذر معاف کننده در تبصره همین ماده و کیفیت مخففه در تبصره ماده بعد یعنی ماده ۵۵۴ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) آمده است.

تبصره ماده ۵۵۳ قانون تعزیرات بیان می‌دارد: «در صورتی که احراز شود فرد فراری دهنده و یا مخفی کننده یقین به بی‌گناهی فرد متهم زندانی داشته و در دادگاه نیز ثابت شود از مجازات معاف خواهد شد.»

در تبصره ماده ۵۵۴ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) هم یک کیفیت مخففه را برای این جرم در نظر گرفته است: «در مورد ماده ۵۵۳ و این ماده در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود.»

با عنایت به کلمه ارقاب قرابت به هر دو شکل آن یعنی نسبی و سببی مشمول این ماده است و به نظر می‌رسد مقصود از درجه اول، درجه اول از طبقه اول باشد و نه در درجه اول از هر طبقه.

برخی از حقوقدانان نیز فقط پدر، مادر، زوج و زوجه و فرزندان را مشمول این ماده می‌دانند. احتمال ضعیف دیگر آن است که منظور، درجه اول از هر طبقه باشد.

ک مثال ۱۰: الف) به (ب) که تحت پیگرد قانونی قرار دارد، برای فرار کمک می‌نماید، متعاقباً بی‌گناهی (ب) به موجب حکم قطعی دادگاه ثابت می‌شود. اقدام الف):

۱) جرم نیست.

۲) جرم تام است.

۳) شروع به جرم است و از تخفیف برخوردار نیست.

۴) جرم تام است ولی مرتکب از تخفیف برخوردار است.

پاسخ: گزینه «۲» با توجه به ماده ۵۵۳ تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و اطلاق آن و نیز تبصره ذیل آن.

درسنامه (۶): مساعدت در خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت



ماده ۵۵۴ (قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) بیان می‌دارد: «هرکس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل این که برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز نماید حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.»

تبصره: «در موارد مذکور در ماده (۵۵۳) تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و این ماده در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود.»

قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸

فصل یکم - جرائم علیه محرمانگی داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی

مبحث یکم - دسترسی غیرمجاز

ماده (۱): هرکس به طور غیرمجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است دسترسی یابد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

مبحث دوم - شنود غیرمجاز

ماده (۲): هرکس به طور غیرمجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری را شنود کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده (۳) هرکس به طور غیرمجاز نسبت به داده‌ای سری در حال انتقال یا ذخیره شده در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به مجازات‌های مقرر محکوم خواهد شد:

الف) دسترسی به داده‌ای مذکور یا تحصیل آنها یا شنود محتوای سری در حال انتقال، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از بیست تا شصت میلیون ریال یا هر دو مجازات.

ب) در دسترس قرار دادن داده‌ای مذکور برای اشخاص فاقد صلاحیت، به حبس از دو تا ده سال.

ج) افشا یا در دسترس قرار دادن داده‌ای مذکور برای دولت، سازمان، شرکت یا گروه بیگانه یا عاملان آنها، به حبس از پنج تا پانزده سال.

تبصره ۱- داده‌ای سری داده‌ای است که افشای آنها به امنیت کشور یا منافع ملی لطمه می‌زند.

تبصره ۲- آئین نامه نحوه تعیین و تشخیص داده‌ای سری و نحوه طبقه‌بندی و حفاظت آنها ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت اطلاعات با همکاری وزارتخانه‌های دادگستری، کشور، ارتباطات و فناوری اطلاعات و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.

ماده (۴): هرکس به قصد دسترسی به داده‌ای سری موضوع ماده (۳) این قانون، تدابیر امنیتی سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی را نقض کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده (۵) چنانچه مأموران دولتی که مسئول حفظ داده‌ای سری مقرر در ماده (۳) این قانون یا سیستم‌های مربوط هستند و به آنها آموزش لازم داده شده است یا داده‌ها یا سیستم‌های مذکور در اختیار آنها قرار گرفته است بر اثر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم رعایت تدابیر امنیتی موجب دسترسی اشخاص فاقد صلاحیت به داده‌ها، حامل‌های داده یا سیستم‌های مذکور شوند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات و انفصال از خدمت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.

فصل دوم - جرائم علیه صحت و تمامیت داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی

مبحث یکم - جعل رایانه‌ای

ماده (۶): هرکس به طور غیرمجاز مرتکب اعمال زیر شود، جاعل محسوب و به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد:

الف) تغییر داده‌ای قابل استناد یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده‌ها

ب) تغییر داده‌ها یا علائم موجود در کارت‌های حافظه یا قابل پردازش در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا تراشه‌ها یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده‌ها یا علائم به آنها.

ماده (۷): هرکس با علم به مجعول بودن داده‌ها یا کارت‌ها یا تراشه‌ها از آنها استفاده کند، به مجازات مندرج در ماده فوق محکوم خواهد شد.

مبحث دوم - تخریب و اخلال در داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی

ماده (۸): هرکس به طور غیرمجاز داده دیگری را از سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده حذف یا تخریب یا مختل یا غیرقابل پردازش کند به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده (۹): هرکس به طور غیرمجاز با انجام اعمالی از قبیل وارد کردن، انتقال دادن، پخش، حذف کردن، متوقف کردن، دستکاری یا تخریب داده‌ها یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری، سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی دیگری را از کار بیندازد یا کارکرد آنها را مختل کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده (۱۰): هرکس به طور غیرمجاز با انجام اعمالی از قبیل مخفی کردن داده‌ها، تغییر گذرواژه یا رمزنگاری داده‌ها مانع دسترسی اشخاص مجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی شود، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده (۱۱): هرکس به قصد به خطر انداختن امنیت یا آسایش عمومی اعمال مذکور در مواد (۸)، (۹) و (۱۰) این قانون را علیه سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی که برای ارائه خدمات ضروری عمومی به کار می‌روند، از قبیل خدمات درمانی، آب، برق، گاز، مخابرات، حمل و نقل و بانکداری مرتکب شود، به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.



فصل سوم - سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه

ماده (۱۲): هرکس به طور غیرمجاز داده‌ای متعلق به دیگری را برآید، چنانچه عین داده‌ها در اختیار صاحب آن باشد، به جزای نقدی از یک تا بیست میلیون ریال و در غیر این صورت به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده (۱۳): هرکس به طور غیرمجاز از سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سیستم وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر رد مال به صاحب آن به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

فصل چهارم - جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی

ماده (۱۴): هرکس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده محتویات مستهجن را تولید، ارسال، منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد ارسال یا انتشار یا تجارت تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- ارتکاب اعمال فوق در خصوص محتویات مبتذل موجب محکومیت به حداقل یکی از مجازات‌های فوق می‌شود. محتویات و آثار مبتذل به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه‌ها و صور قبیحه باشد.

تبصره ۲- هرگاه محتویات مستهجن به کمتر از ده نفر ارسال شود، مرتکب به یک تا پنج میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره ۳- چنانچه مرتکب اعمال مذکور در این ماده را حرفه خود قرار داده باشد یا بطور سازمان یافته مرتکب شود چنانچه مفسد فی‌الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

تبصره ۴- محتویات مستهجن، به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیرواقعی اطلاق می‌شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است.

ماده (۱۵): هرکس از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:

الف) چنانچه به منظور دستیابی افراد به محتویات مستهجن، آنها را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع کند یا فریب دهد یا شیوه دستیابی به آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود. ارتکاب این اعمال در خصوص محتویات مبتذل موجب جزای نقدی از دو تا پنج میلیون ریال است.

ب) چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کند یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات.

تبصره - مفاد این ماده و ماده (۱۴) شامل آن دسته از محتویاتی نخواهد شد که برای مقاصد علمی یا هر مصلحت عقلایی دیگر تهیه یا تولید یا نگهداری یا ارائه یا توزیع یا انتشار یا معامله می‌شود.

فصل پنجم - هتک حیثیت و نشر اکاذیب

ماده (۱۶): هرکس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره - چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده (۱۷): هرکس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده (۱۸): هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سیستم رایانه یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقام‌های رسمی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق یاد شده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

فصل ششم - مسئولیت کیفری اشخاص

ماده (۱۹): در موارد زیر، چنانچه جرائم رایانه‌ای به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یابد، شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود:

(الف) هرگاه مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم رایانه‌ای شود.

(ب) هرگاه مدیر شخص حقوقی دستور ارتکاب جرم رایانه‌ای را صادر کند و جرم بوقوع پیوندد.

(ج) هرگاه یکی از کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی مرتکب جرم رایانه‌ای شود.

(د) هرگاه تمام یا قسمتی از فعالیت شخص حقوقی به ارتکاب جرم رایانه‌ای اختصاص یافته باشد.

تبصره ۱- منظور از مدیر کسی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد.

تبصره ۲- مسئولیت کیفری شخص حقوقی مانع مجازات مرتکب نخواهد بود.

ماده (۲۰): اشخاص حقوقی موضوع ماده فوق، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتکابی، میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتکاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتکابی، به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:

(الف) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه ماه و در صورت تکرار جرم، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال.

(ب) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم شخص حقوقی منحل خواهد شد.

تبصره ۱- مدیر شخص حقوقی که طبق بند «ب» این ماده منحل می‌شود، تا سه سال حق تأسیس یا نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی دیگری را نخواهد داشت.

تبصره ۲- خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد. در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند، مابه التفاوت از اموال مرتکب جبران خواهد شد.

ماده (۲۱): ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موظفند طبق ضوابط فنی و فهرست مقرر از سوی کمیته تعیین مصادیق موضوع ماده ذیل محتوای مجرمانه اعم از محتوای ناشی از جرائم رایانه‌ای و محتوایی که برای ارتکاب جرائم رایانه‌ای بکار می‌رود را پالایش کنند. در صورتی که عمداً از پالایش محتوای مجرمانه خودداری کنند، منحل خواهند شد و چنانچه از روی بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای غیرقانونی را فراهم آورند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال و در مرتبه دوم به جزای نقدی از یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

تبصره ۱ - چنانچه محتوای مجرمانه به وب سایت‌های مؤسسات عمومی شامل نهادهای زیر نظر ولی فقیه و قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه و مؤسسات عمومی غیردولتی موضوع قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ و الحاقات بعدی آن یا به احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده یا به سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی حاضر در ایران که امکان احراز هویت و ارتباط با آنها وجود دارد تعلق داشته باشد، با دستور مقام قضایی رسیدگی‌کننده به پرونده و رفع اثر فوری محتوای مجرمانه از سوی دارندگان، وب سایت مزبور تا صدور حکم نهایی پالایش نخواهد شد.

تبصره ۲ - پالایش محتوای مجرمانه موضوع شکایت خصوصی با دستور مقام قضایی رسیدگی‌کننده به پرونده انجام خواهد شد.

ماده (۲۲): قوه قضائیه موظف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را در محل دادستانی کل کشور تشکیل دهد. وزیر یا نماینده وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، ارتباطات و فناوری اطلاعات، دادگستری، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس سازمان صدا و سیما و فرمانده نیروی انتظامی، یک نفر خبره در فناوری اطلاعات و ارتباطات به انتخاب کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی و یک نفر نماینده مجلس شورای اسلامی به انتخاب کمیسیون حقوقی و قضایی و تأیید مجلس شورای اسلامی اعضای کمیته را تشکیل خواهند داد. ریاست کمیته به عهده دادستان کل کشور خواهد بود.

تبصره ۱- جلسات کمیته حداقل هر پانزده روز یک بار و با حضور هفت نفر عضو دارای حق رأی رسمیت می‌یابد و تصمیمات کمیته با اکثریت نسبی حاضران معتبر خواهد بود.

تبصره ۲- کمیته موظف است به شکایات راجع به مصادیق پالایش شده رسیدگی و نسبت به آنها تصمیم‌گیری کند. رأی کمیته قطعی است.

تبصره ۳- کمیته موظف است هر شش ماه گزارشی در خصوص روند پالایش محتوای مجرمانه را به رؤسای قوای سه‌گانه و شورای عالی امنیت ملی تقدیم کند.

ماده (۲۳): ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی موظفند به محض دریافت دستور کمیته تعیین مصادیق مذکور در ماده فوق یا مقام قضایی رسیدگی‌کننده به پرونده مبنی بر وجود محتوای مجرمانه در سیستم‌های رایانه‌ای خود از ادامه دسترسی به آن ممانعت به عمل آورند. چنانچه عمداً از اجرای دستور کمیته یا مقام قضایی خودداری کنند، منحل خواهند شد. در غیر این صورت، چنانچه در اثر بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای مجرمانه مزبور را فراهم کنند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال و در مرتبه دوم به یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

تبصره - ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی موظفند به محض آگاهی از وجود محتوای مجرمانه مراتب را به کمیته تعیین مصادیق اطلاع دهند.

ماده (۲۴): هرکس بدون مجوز قانونی از پهنای باند بین‌المللی برای برقراری ارتباطات مخابراتی مبتنی بر پروتکل اینترنتی از خارج ایران به داخل یا برعکس استفاده کند، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.



فصل هفتم - سایر جرائم

ماده (۲۵): هرکس مرتکب اعمال زیر شود، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد:

(الف) تولید یا انتشار یا توزیع یا معامله داده‌ها یا نرم افزارها یا هر نوع ابزار الکترونیکی که صرفاً به منظور ارتکاب جرائم رایانه‌ای به کار می‌روند.

(ب) فروش یا انتشار یا در دسترس قرار دادن گذرواژه یا هر داده‌ای که امکان دسترسی غیرمجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی متعلق به دیگری را فراهم می‌کند.

(ج) آموزش نحوه ارتکاب جرائم دسترسی غیرمجاز، شنود غیرمجاز، جاسوسی رایانه‌ای و تخریب و اخلال در داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی.

تبصره - چنانچه مرتکب اعمال یاد شده را حرفه خود قرار داده باشد، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

فصل هشتم - تشدید مجازات‌ها

ماده (۲۶): در موارد زیر، حسب مورد مرتکب به بیش از دوسوم حداکثر یک یا دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد:

(الف) هریک از کارمندان و کارکنان اداره‌ها و سازمان‌ها یا شوراها و یا شهرداری‌ها و مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسسه‌هایی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسسه‌هایی که با کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأموران به خدمت عمومی اعم از رسمی و غیررسمی به مناسبت انجام وظیفه مرتکب جرم رایانه‌ای شده باشند.

(ب) متصدی یا متصرف قانونی شبکه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به مناسبت شغل خود مرتکب جرم رایانه‌ای شده باشد.

(ج) داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، متعلق به دولت یا نهادها و مراکز ارائه‌دهنده خدمات عمومی باشد.

(د) جرم به صورت سازمان‌یافته ارتکاب یافته باشد.

(ه) جرم در سطح گسترده‌ای ارتکاب یافته باشد.

ماده (۲۷): در صورت تکرار جرم برای بیش از دو بار دادگاه می‌تواند مرتکب را از خدمات الکترونیکی عمومی از قبیل اشتراک اینترنت، تلفن همراه، اخذ نام دامنه مرتبه بالای کشوری و بانکداری الکترونیکی محروم کند:

(الف) چنانچه مجازات حبس آن جرم نود و یک روز تا دو سال حبس باشد، محرومیت از یک ماه تا یک سال.

(ب) چنانچه مجازات حبس آن جرم دو تا پنج سال حبس باشد، محرومیت از یک تا سه سال.

(ج) چنانچه مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، محرومیت از سه تا پنج سال.

بخش سوم - سایر مقررات

ماده (۵۲): به منظور ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در زمینه جرائم رایانه‌ای، وزارت دادگستری موظف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اقدامات لازم را در زمینه تدوین لوایح و پیگیری امور مربوط جهت پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و معاهدات راجع به همکاری و معاضدت دوجانبه یا چندجانبه قضایی انجام دهد.

ماده (۵۳): در مواردی که سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی به عنوان وسیله ارتکاب جرم بکار رفته و در این قانون برای عمل مزبور مجازاتی پیش‌بینی نشده است، مطابق قوانین جزایی مربوط عمل خواهد شد.

تبصره - در مواردی که در بخش دوم این قانون برای رسیدگی به جرائم رایانه‌ای مقررات خاصی از جهت آیین دادرسی پیش‌بینی نشده است طبق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری اقدام خواهد شد.

ماده (۵۴): میزان جزای نقدی این قانون بر اساس نرخ رسمی تورم حسب اعلام بانک مرکزی هر سه سال یک بار با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و تصویب هیئت وزیران قابل تغییر است.

ماده (۵۵): وزارت دادگستری موظف است ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات آئین نامه‌های مربوط به جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی را تهیه کند و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

ماده (۵۶): قوانین و مقررات مغایر با این قانون ملغی است.

کلمه مثال ۳۳: هرکس به طور غیرمجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سیستم‌های رایانه‌ای را شنود کند مرتکب چه جرمی شده است؟

- (۱) جاسوسی (۲) جاسوسی رایانه‌ای (۳) شنود غیر مجاز (۴) هیچ جرمی

پاسخ: گزینه «۳» شنود غیرمجاز است چرا محتوای غیرعمومی را به طور غیرمجاز شنوده کرده است.

کلمه مثال ۳۴: اگر کسی داده‌های متعلق به دیگری را بر باید چنانچه عین داده‌ها در اختیار صاحب آن باشد مرتکب چه جرمی شده است؟

- (۱) سرقت (۲) کلاهبرداری (۳) سرقت مرتبط با رایانه (۴) هیچ جرمی انجام نداده است.

پاسخ: گزینه «۳» با توجه به ماده ۱۳ جرائم رایانه‌ای، فصل سوم، سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه.

کج مثال ۳۵: کسی که به طور غیرمجاز، از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، وجه مال یا منفعت یا امتیازات مالی تحصیل می‌کند، او مرتکب کدام جرم شده است؟ (وکالت ۹۳)

- (۱) کلاهبرداری (۲) سرقت (۳) تحصیل مال نامشروع (۴) دسترسی غیرمجاز

پاسخ: گزینه «۱» با توجه به ماده ۱۳ قانون جرائم رایانه‌ای

«هرکس به طور غیرمجاز از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سامانه، وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند، علاوه بر رد مال به صاحب آن به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

کج مثال ۳۶: «الف» تلفن همراه همکار خود را بدون اجازه از روی میز برداشته و فایل‌های آن را نگاه می‌کند. سپس آن را در جای خود می‌گذارد. وی مرتکب کدام جرم شده است؟ (سراسری ۹۴)

(۱) تنها اگر دارای داده‌های سری باشد، بزه دسترسی غیر مجاز است.

(۲) تنها در صورت بهره‌برداری مالی از فایل‌ها، عمل وی جرم است.

(۳) اگر تلفن همراه با تدابیر امنیتی، حفاظت شده باشد، بزه دسترسی غیرمجاز است.

(۴) صرف دیدن فایل در هیچ صورت جرم نیست، اما کپی کردن آن‌ها جرم است.

پاسخ: گزینه «۳» به استناد ماده ۱ قانون جرائم رایانه‌ای.

ماده ۱: هرکس به طور غیر مجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است دسترسی یابد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

کج مثال ۳۷: «الف» با دستکاری در داده‌های سامانه یک بانک، باعث می‌شود آن سامانه از کار بیفتد وی مرتکب کدام جرم (جرائم) شده است؟ (قضاوت ۹۵)

(۱) تعدد مادی جعل داده و اخلال در سامانه (۲) اخلال در سامانه

(۳) تعدد نتیجه تخریب داده و سامانه (۴) تعدد مادی تخریب داده و اخلال در سامانه

پاسخ: گزینه «۲» با توجه به ماده ۹ قانون جرائم رایانه‌ای.

ماده ۹: «هرکس به طور غیرمجاز با انجام اعمالی از قبیل وارد کردن، انتقال دادن، پخش، حذف کردن، متوقف کردن، دستکاری یا تخریب داده‌ها یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری، سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی دیگری را از کار بیندازد یا کارکرد آنها را مختل کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» تخریب یا اخلال در سامانه عناوین مجرمانه یکسان هستند.

کج مثال ۳۸: صرف تشویق به خودکشی در کدام‌یک از موارد زیر، جرم است؟ (قضاوت ۹۵)

(۱) نسبت به فرد مجنون باشد (۲) از طریق سامانه‌های رایانه‌ای باشد.

(۳) تکرار شود (۴) منجر به خودکشی شود

پاسخ: گزینه «۲» با توجه به بند «ب» ماده ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای.

ماده ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای: «هرکس از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد: الف) چنانچه به منظور دستیابی افراد به محتویات مستهجن، آنها را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع کند یا فریب دهد یا شیوه دستیابی به آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات. ارتکاب این اعمال در خصوص محتویات مبتذل موجب جزای نقدی از دو تا پنج میلیون ریال است.

ب) چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کند یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات.

تبصره - مفاد این ماده و ماده (۱۴) شامل آن دسته از محتویاتی نخواهد شد که برای مقاصد علمی یا هر مصلحت عقلایی دیگر تهیه یا تولید یا نگهداری یا ارائه یا توزیع یا انتشار یا معامله می‌شود.»

سوالات آزمون مرکز وکلا و مشاوران قوه قضائیه ۱۴۰۱

کله ۱- الف ۱۶ ساله مرتکب جرم تعزیری درجه ۴ شده است. بلافاصله پس از اجرای حکم، مرتکب جرم مستوجب جزای نقدی و حبس درجه ۵ می‌شود. کدام مورد در خصوص مجازات وی صحیح است؟

- (۱) با رعایت قواعد تکرار جرم، به حداکثر مجازات یک چهارم افزوده می‌شود.
- (۲) بدون رعایت قواعد تکرار جرم، به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌شود.
- (۳) با رعایت قواعد تکرار جرم، حداقل مجازات، میانگین حداقل و حداکثر مجازات قانونی خواهد بود.
- (۴) بدون رعایت قواعد تکرار جرم، به حداکثر جزای نقدی درجه ۵ و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌شود.

کله ۲- یک دختر ۱۱ ساله مرتکب جرم تعزیری درجه پنج می‌گردد، کدام یک از تصمیمات زیر در مورد وی قابل اتخاذ است؟

- (۱) به مجازات قانونی جرم ارتكابی محکوم می‌گردد مگر آنکه ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکند.
- (۲) صرفاً نگهداری در کانون اصلاح و تربیت
- (۳) اخطار و تذکر یا نگهداری در کانون اصلاح و تربیت
- (۴) تسلیم به والدین یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر به تشخیص دادگاه و با رعایت سایر شرایط و یا نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

کله ۳- فردی مرتکب چهار جرم تعزیری درجه سه، چهار، پنج و هفت می‌گردد. چنانچه مجازات جرم تعزیری درجه چهار ثابت باشد، دادگاه برای اعمال قواعد تعدد جرم کدام یک از اقدامات زیر را در خصوص جرم تعزیری درجه چهار انجام می‌دهد؟

- (۱) دادگاه می‌تواند تا یک ششم به اصل آن اضافه کند.
- (۲) دادگاه می‌تواند تا یک چهارم به اصل آن اضافه کند.
- (۳) دادگاه مکلف است تا یک چهارم به اصل آن اضافه کند.
- (۴) دادگاه مکلف است تا یک ششم به اصل آن اضافه کند.

کله ۴- اولیاءدم از قصاص نفس مباشر گذشت می‌نمایند و دادگاه مباشر را به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌نماید. معاون در قتل به کدام یک از مجازات‌های زیر محکوم می‌شود؟

- (۱) حبس تعزیری درجه دو یا سه
- (۲) حبس تعزیری درجه پنج یا شش
- (۳) حبس تعزیری درجه پنج، شش یا هفت
- (۴) حبس تعزیری درجه چهار

کله ۵- نگره داشتن مقداری از اموال مورد امانت در مقابل مطالبه حق الزحمه همان اموال تحت چه عنوان مجرمانه‌ای قابل پیگرد می‌باشد؟

- (۱) خیانت در امانت
- (۲) تحصیل مال از طریق نامشروع
- (۳) کلاهبرداری
- (۴) فاقد عنوان مجرمانه است.

کله ۶- الف که به علت ارتکاب قتل غیر عمدی دارای محکومیت قطعی به سه سال حبس (تعزیری درجه پنج) است، در حین اجرای مجازات مذکور مرتکب جرم سرقت تعزیری با مجازات سه ماه تا ده سال حبس (تعزیری درجه چهار) می‌گردد. مرتکب به علت ارتکاب جرم جدید به کدام مجازات محکوم می‌گردد؟

- (۱) با توجه به مقررات تکرار جرم، مرتکب به حداکثر مجازات جرم ارتكابی محکوم می‌گردد.
- (۲) با توجه به مقررات تکرار جرم، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی جرم است.
- (۳) مقررات تکرار جرم اعمال نمی‌گردد و مرتکب به سه ماه تا ده سال حبس محکوم می‌گردد.
- (۴) با توجه به مقررات تکرار جرم، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند مرتکب را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم نماید.

کله ۷- چنانچه ارباب رجوع به کارمند دولت که در ساعت اداری و در محل کار خود مشغول صحبت تلفنی با یکی از دوستان خود است، توهین نماید، به کدام مجازات محکوم می‌گردد؟

- (۱) رفتار مذکور، توهین به کارکنان دولتی محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌گردد.
- (۲) رفتار مذکور، توهین ساده محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌گردد.
- (۳) رفتار مذکور، توهین به کارکنان دولتی محسوب و مرتکب به نظر دادگاه مجازات می‌شود.
- (۴) رفتار مذکور، توهین ساده محسوب و مرتکب به نظر دادگاه مجازات می‌شود.

پاسخنامه آزمون مرکز وکلا و مشاوران قوه قضائیه ۱۴۰۱

۱- گزینه «۲» مطابق با ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است و نیز مطابق با ماده ۱۳۸ این قانون مقررات مربوط به تکرار جرم در جرایم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی‌شود. بنابراین در این مسئله «الف» ۱۶ ساله بدون رعایت قواعد تکرار جرم به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌شود.

۲- گزینه «۴» مطابق با ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی در مورد اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد دادگاه می‌تواند طفل را به اولیا یا والدین یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان یا به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند تسلیم کند یا وی را نصیحت نماید.

۳- گزینه «۱» مطابق با درج ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی در هر مورد که مجازات قانونی فاقد حداقل و حداکثر باشد اگر جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه می‌تواند تا یک چهارم و اگر بیش از سه جرم باشد دادگاه می‌تواند تا یک ششم به اصل آن اضافه کند.

۴- گزینه «۲» مطابق با تبصره ۲ طبق ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجرا نشود مجازات معاون براساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم مطابق بند (ت) این ماده اعمال می‌شود. بند ت: در جرایم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی.

۵- گزینه «۴» تحصیل مال از طریق نامشروع نیازمند وجود امتیازات مخصوص و نیز تحصیل نمودن اموال است (رد گزینه ۲). کلاهبرداری نیز مأثور متقلبانه می‌خواهد که این امر نیز در مسئله وجود ندارد (رد گزینه ۳). خیانت در امانت علاوه بر سپردن رفتار ارتكابی، استعمال، تصاحب، اتلاف و یا مفقود کردن مال می‌خواهد که هیچ‌کدام از این رفتارها نیز محقق نشده است (رد گزینه ۱).

۶- گزینه «۳» مطابق با ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی هرکس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا $\frac{1}{4}$ آن محکوم کند. بنابراین تکرار جرم تنها در مورد جرایم عمدی محقق است.

۷- گزینه «۱» اگر ارباب رجوع به کارمند دولت در ساعت اداری یا به سبب انجام وظیفه و محل کار توهین نماید، این رفتار صورت خاص توهین به کارمند دولت است و مجازات خاص و منحصر به فرد خود را دارد.

۸- گزینه «۳» مطابق با ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کند باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند. همچنین مطابق با ماده ۲۸۸ این قانون در صورت عدم استفاده از سلاح توسط اعضا به حبس تعزیری درجه ۳ یا ۵ در صورت وجود یا عدم وجود مرکزیت گروه محکوم می‌شوند.

۹- گزینه «۱» مطابق با ماده ۶۹۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی به صورت صریح یا تلویحی اظهار کذب نماید یا امری را برخلاف واقع نسبت دهد مرتکب نشر اکاذیب شده است. اما جرایم توهین، افترای قولی و افترای عملی باید به صورت صریح انجام پذیرد.

۱۰- گزینه «۳» مطابق با ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی اگر کسی با ضربات متعدد عمدی موجب جنایات متعدد و قتل مجنی‌علیه شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد چنانچه برخی از جنایات موجب قتل شود و برخی در وقوع قتل نقشی نداشته باشند مرتکب علاوه بر قصاص نفس، حسب مورد به قصاص عضو یا دیه جنایت‌هایی که تأثیری در وقوع قتل نقش نداشته است محکوم می‌شود.

۱۱- گزینه «۳» تعدد مادی زمانی اعمال می‌شود که دو یا چند رفتار مجرمانه واقع شود. بنابراین کسی که مرتکب جعل و استفاده از سند مجعول می‌شود براساس قواعد تعدد مادی به جرم وی رسیدگی می‌شود. همچنین در صورت ارتکاب کلاهبرداری از طریق استفاده از سند مجعول به علت اینکه رفتار واقع شده دارای عناوین مجرمانه متعدد می‌باشد از باب تعدد معنوی قابل تشدید است.

۱۲- گزینه «۱» مطابق با ماده ۶۲۱ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی هرکس دیگری را با هر قصدی برباید مرتکب جرم آدم‌ربایی شده است. بنابراین قصد خاص و انگیزه مالی از ربودن انسان نمی‌تواند موجب تحقق جرم سرقت گردد.

۱۳- گزینه «۳» قطع قسمتی از معبد با پیش آوردن پی دیوار خانه موجب از بین بردن جزئی از خانه شده است. همچنین کندن و بردن در بقعه امامزاده نیز از بین بردن قسمتی از آن بقعه امامزاده است. نوشتن مطلب بر روی دیوار متعلق به دیگری نیز ایجاد نقص جزئی در آن دیوار است. اما اگر قفل دربی باز شود و آسیبی به قفل یا درب وارد نشود تخریب محقق نشده است.